



محسن تربیت شده
مکتب اهل بیت (علیهم السلام) بود

سبک زندگی نامدارترین شهید
مدافع حرم سال ۹۶ به روایت خانواده اش

صفحه ۱۸

شماره ۶۷ سه شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۶ ♦ ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۳۹

سالی که اول
و آخرش برکت بود

مرور برخی از اتفاقات
مهم هیئت ها در سال ۹۶

صفحه ۴

www.qudsonline.ir



ضمیمه هفتگی روزنامه (فرز) ویژه هیئت ها و محافل مذهبی

ویژه نامه
نوروزی
۲۴ صفحه

یک «یاعلی» پسر را به دنیا نمی دهیم!

دینار با مادر حاج محمود کریمی در آستانه سال نو

صفحه ۸ و ۹





چای روضه هنوز هم داغ است!

سید محمد سادات اخوی

جان در بلور و چینی

تازه از راه رسیدم.

سوئیچ خودروی فکسنی را در جیب پالتو می گذارم و به اطرافم نگاه می کنم.

هرم نفس هایی که در «حسینیه» نشستند، از چارچوب تنگ تنها در پیش رویم به بیرون می دود...

در مسیرش ایستاده ام. انگشتان تَر دَش را به گونه هایم می کشد و از دو سوی من به اتاق می دود.

صدای «سخنران» که به انتهای سخنرانی اش رسیده و محفل را آماده «مصیبت خوانی» می کند؛ نگاهم را به جست و جویش در اطراف حسینیه نیمه تاریک می دواند...

صدای آرامی می گوید: «بفرما». پیش رویم را نگاه می کنم...

دستی، سینی تک نفره فلزی را به زمین گذاشته است...

سینی میزبان استکانی چای... یک نعلبکی چینی... دو دانه خرما و سه خُبه قند است. نگاهی به چای می کنم و سر را بلند می کنم...

همه چیز تغییر کرده است...

حسینیه نیمه تاریک، به روشنی روز می شود...

زنده یاد «حاج احمد شمشیر گران» - که او را «شمشیری» صدا می کردم - مقابلم نشسته است... روی زانوئی راستش

پَله شده و نگاهم می کند. پیش روی او نیز سینی مشابهی گذاشته اند و استکانی با چای نیم خورده در دست اوست. لبخند می زند و می گوید:

«من اگر کتاب نخوانم... اگر شعر حفظ نکنم؛ حرام است هدیه ای که به خاطر مداحی به من می دهند... بعضی ها نمی دانند... غلط می خوانند و می روند.

شرمگین، سینی پیش رویم را نگاه می کنم... سر برمی دارم تا حرفی بگویم؛ «حاج احمد» نیست!...

حاج احمد «دیگری» مقابلم ایستاده و به سیاهی های دیوار حسینیه ای «دیگر» تکیه کرده است... زنده یاد

«حاج احمد دلجو»... که انگشتان دست چپش را فواره وار، ستون زیر نعلبکی چینی «آب پریده» ای کرده و با دست

راستش که تسبیحی در میان انگشتان آن پیچیده، استکانی را خم و راست می کند تا چای از استکان به نعلبکی بریزد... و قندی که پیش تر در دهانش گذاشته،

رنگ چای را ببیند...

لبخند می زند... یعنی: «چطوری سید؟!... دستم را به احترام به سینه می گذارم و برمی دارم: «الحمد لله!»... می گوید:

«خواندن در حرم امام رضا (علیه السلام) سخت است... می دانی؟!... مقابل امام که می خوانی نباید همه اجزای مصیبت را

بخوانی... باید ادب کنی و مقابل امام، شرح دقیق شهادت اجدادش را نگویی...

خیره مانده ام... اشاره به سینی پیش رویم می کند و می گوید:

«قندم تمام شد!

سینی پیش رویم را نگاه می کنم تا یک حبه قند بردارم و به دست حاج احمد بدهم...

حاج احمد نیست!...

حسینیه نیست... خیابان است... سال چندم خورشیدی است، نمی دانم... آدم ها کمک های بسته بندی شده را به

مسجد مقابلم می آورند تا به «جبهه» فرستاده شود. کسانی که بسته ها را می گیرند، تند و تند، در استکان های بلوری،

چای «صلواتی» می ریزند و به دست مردم می دهند.

از بلندگوی مسجد، صدای حاج احمد «دیگری» را می شنوم... «حاج احمد اسماعیل بیک بروجردی»... که

«صالح» صدایش می کردم... به آنان که صدایش را می شنوند، می گوید:

«مگر می شود ما در اینجا و مجلس اهل بیت (علیهم السلام)، از حال دیگران غافل باشیم... از حال کسانی که در سنگرهای سرد

نشسته اند برای دفاع از ما!... در ضمن، یادتان باشد در همه جا... وقتی اسمی از امام حسین (علیه السلام) باشد... مثل همین

مسجد... اگر چای به شما تعارف شد، بنوشید!... تیرگی های جان تان را می شوید... شفاست!

دستی دراز می کنم تا استکانی بردارم...

همه چیز محو می شود.

به پشت سرم نگاه می کنم تا چای خودم را بردارم

و بنوشم؛ خبری از جایی که نشسته بودم، نیست... همه چیز در غبار، ناپیداست. صداهایی گنگ از غبار شنیده می شود.

به سینه غبار فرو می روم...

انبوه آدم ها با لباس های رنگی... ایستاده و نشسته، چای می نوشند...

روبه رو، پله های موزاییکی بلندی است که به طبقه بالا می رود.

سمت راستم، در محیطی مربعی و اندازه اتاقی متوسط، آدم هایی نشسته اند...

اجاقی گرد و زمینی، میزبان پنج شش کتری روحی (روبی) و دو سه قوری چینی بزرگ است...

کمی آن سوتر، مردی پشت دو تشت مسی بزرگ نشسته و استکان های خالی استفاده شده را به دقت در آب تشت ها می شویند...

کنارش کسی است که استکان ها را با حوله هایی تمیز خشک می کند.

از تشت راستی بخار جوشان آب بلند است و نشان می دهد که نخستین مرحله شست و شو، برعهده تشت آب جوش است.

از طبقه بالا (که انگار «تکیه» است)، صدای سرودخوانی میلاد «امام زمان (علیه السلام)» شنیده می شود... و صدای کسانی که

به شوق و همراه با تکرار بیت ترجیع سرود، کف می زنند. «پدر بزرگ»... زنده یاد «حاج محمد علی کهرمیان» کنار

زنده یاد، «حاج حسن ذوالفقار» - که «ذوالفقاری» صدایش می کردیم - نشسته است.

حاج حسن، اصرار می کند که صدایش گرفته و نمی تواند مداحی کند... و برای این که حرفش را ثابت کند؛ به سختی سعی می کند تا کوتاهی اوج صدایش را با «بلندگفتنی

کم جان» نشان دهد.

پدر بزرگ، یاد استادانش می افتد.

دست دراز می کند و نعلبکی و استکانی چای را پیش می کشد...

چای را پیش رویش می گذارد و جوری که نگاه کسی جلب او نشود؛ نگاهی نافذ و عمیق به چای می کند... نگاهی بی سخن... و نمی دانی که نگاهش با چای چه می کند.

چای را پیش روی حاج حسن می گذارد و تعارف می کند... حاج حسن استکان را برمی دارد و جرعه ای از چای را

می نوشد... تک سرفه ای می کند و برمی خیزد.

اندکی بعد، صدای رسای حاج حسن از طبقه بالا شنیده می شود... رساتر از همیشه.

نگاهی از سر تعجب به پدر بزرگ می کنم...

نیست!...

به حسینیه آغاز برگشته ام...

چای روضه، هنوز هم داغ است!





بعون الله الملك الاعلى

سید حسین متولیان

شاید یکماهه از آن روز می گذرد که زنگ زدند و گفتند چند خط برای چای روضه سیدالشهدا (علیه السلام) بنویس... و از آن روز ذهنم درگیر شد که راستی چه چیزی دارد این چای که این همه عزیز است؟ چه معجزه های این قدر خوش طعم و گوارایش می کند؟ چه کرشمه های به کار دارد که این طور شفا و عشق و رحمت و مستی و سکر توی آن پنهان شده؟

اول با خودم گفتم توی همین کارهای دنیایی خودمان نگاه کن! با هزار مدیرکل و رئیس و مدیر هم رفیق باشی گاهی نمی توانی پیدایشان کنی! گاهی از تو بر نمی آید که یک وقت ساده بگیر و ببینی شان! آن وقت است که رفیق بودن با آبدارچی ها به درد آدم می خورد... آنها تنها کسانی هستند که وسط مهم ترین جلسات هم می توانند وارد شوند، چای روی میز مدیرکل و رئیس بگذارند، گفت و گوی کوتاهی بکنند و بیرون بیایند... آنها می توانند نامه و درخواست ها را بدون نوبت روی میز رئیس بگذارند و زودتر امضای موافقت را بگیرند...

شاید چایخانه های دستگاه سیدالشهدا (علیه السلام) هم از همین رو عزیز و محترم شده باشند!

اما این نمی تواند تنها دلیل باشد! من فکر می کنم باید راز دیگری هم در چای روضه نهفته باشد! رازی از جنس عاطفه و عشق!

تاریخ خوب به یاد دارد وقتی میان عزیزترین عاشقان زمین یعنی پدر خاک و مادر آب ازدواج برقرار شد، تصمیم گرفتند کارها را بین خودشان تقسیم کنند! قرار بر این شد که کار و تلاش و مجاهدت در بیرون از خانه به عهده پدر خانه باشد و

امورات منزل و تربیت و نسل سازی با مادر! با این تقسیم او که به بازار می رود تا قیام قیامت در محدوده حضرت امیر قدم برداشته و آن که آشپزخانه را اداره می کند کارمند قلمروی حضرت مادر شده است... و چه کسی است که نداند مادر! آن هم اگر جوان باشد و زود از خانه به آسمان رفته باشد چقدر برای پسر عزیز است!

اصلاً تصور کنید که توی چایخانه روضه ها کنار پیرمردی که چای می ریزد مادری نشسته است و مدام مراقب است چیزی در چای سفره فرزند غریب مانده اش کم نباشد... مراقب است که نکند آب سماور کم شود یا چای به کسی نرسد... فوری فرشتگان خدمتگزارش را می فرستد تا از کوثر برای سماور روضه فرزندش آب بیاورند و کمی شفا توی سماور بریزند... تازه بعد از آن که استکان ها جمع شدند صفوف ملائکه اند که می آیند و اجازه می خواهند ته مانده های چای را به آسمان ها ببرند و میان خودشان قسمت کنند تا عبادتشان معطر شود... معلوم است که این چای امضایی می شود میان مادر و فرزند که مثلاً یعنی: «پسر! هر کسی امروز برایت چای آورد... هر که از چایی که خودم با همین دست های خسته و کبود دم کرده ام نوشید فرستاده من است! با او مدارا کن! اگر حاجتمند است حاجتش را بده... اگر گرسنه است سیرش نما و اگر در راه مانده است او را به مقصد برسان...»

آن وقت، کسی که چنین جرعه ای را می نوشد انگار بال های اجابت و خوشوقتی اش را مادر فرمانروا امضا کرده... و کدام فرزندی ست که فرستاده مادرش را اکرام نکند؟

باز میان خاطرات و حجت های ذهنی ام جستجو می کنم! دیگر چه دلیلی می تواند داشته باشد که چای روضه این همه عزیز است و عزیزکننده... یاد می آید که یک شب خسرو شکیبایی توی گوش هایم گفت: «فتخارم این است که از کودکی استکان شوی روضه امام حسین (علیه السلام) بوده ام» و با خودم می گویم یعنی او هم همه عزتش را از همین چای و همین استکان های عزیز قرض گرفته بود... بعد یاد مقاله ای علمی می افتم که توی آن آمده بود: در روزهای تابستان چای بنوشید که دمای بدنتان را با بیرون هماهنگ کند! و از چای به عنوان نسخه ای که عطش را می کشد نام برده بود... و به یاد فرموده «میرزا جواد آقای ملکی تبریزی» می افتم که در «اسرار الصلوه» فرموده بود: و بدان که شدت عطش آن بزرگوار در آن روز به حدی بود که اگر عطش آن مظلوم در میان اهل عالم تقسیم شود، همه از تشنگی می میرند و کسی نمی تواند این را نفی کند...

همین یک سطر کافیهست که اشک از چشم هایم توی فنجان بریزد و توی دلم بگویم شاید مادری در تمام روضه ها گوشه چایخانه می نشیند و می گوید برای عاشقان فرزند تشنه لبم چای ببر! «چای عطش کش است»

الزامات چای روضه

امیر حسین مدرس

اولین نشانه هر مجلس ذکر و روضه ای، همین «چای» است. این قدر چای روضه اهمیت دارد که شاید پرچم و کتیبه را نیز تحت الشعاع قرار دهد. در فرهنگ معنوی ما، چای روضه همیشه جایگاه ویژه ای داشته است. به همین سبب، باید در تهیه و آماده سازی آن، نهایت توان و دقت را به کار بست.

چای خشک، چه ایرانی و چه خارجی، باید از مرغوب ترین نوع باشد و ترجیحاً بدون عطر. پس از خرید چای خشک، باید آن را به آرامی الک کنیم تا بدون غبار شود. آبی که برای دم کردن چای استفاده می کنیم، اگر تصفیه شده باشد، بسیار بهتر است. یعنی آب لوله کشی که از تصفیه خانگی نیز گذشته باشد.

غنچه گل سرخ، شکوفه بهار نارنج، مقدار اندکی چوب دارچین، چند دانه هل و یک سوم قاشق چای خوری زعفران، برای معطر کردن طبیعی چای روضه لازم است. باید توجه داشته باشیم که یک قوری به عنوان «مایه» و قوری دیگری به صورت «یک رنگ» درست کنیم که در وقت، صرفه جویی کرده باشیم و تمیزتر چای بریزیم. پاکیزگی و بدون رسوب و بی لک بودن استکان و نعلبکی و سینی نیز، از الزامات چایخانه روضه است. به همین ترتیب، آداب مهمانداری از اهل روضه و احترام در تعارف چای است که لذت نوشیدن چای روضه و بهره مندی از جلسه را برای حاضران، افزون می کند. مرحوم حاج محمد اسماعیل دولابی همیشه می فرمود: «روضه را به خاطر چای اش شرکت می کنم!»





مرور برخی از اتفاقات
مهم هیئت ها در سال ۹۶

سالی که اول و آخرش برکت بود

هرساله خادمان اهل بیت (ع) با فعالیت در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... تمام توان خود را برای پیشبرد و تحقق اهداف دین و مذهب به کار می گیرند و اقدامات ارزشمندی را به یادگار می گذارند؛ چه بسا که سال ۹۶ نیز با برنامه ها و رویدادهای مختلفی برای دوستداران اهل بیت (ع) همراه بود. رویدادهایی که در اینجا به یادآوری چند مورد از آنها می پردازیم.

دیدار شاعران آیینی با مقام رهبری

نزدیک به ۳۰ سال است که نیمه رمضان هر سال، رویدادی خاطره انگیز یعنی دیدار شاعران با مقام رهبری برقرار است و این قشر ادبی کشور، فرصت ارزشمندی را برای بهره مندی از فرمایشات و موعظات مقام رهبری به دست می آورند. در همین زمینه دیدار جمعی از شاعران با رهبر معظم انقلاب، ۲۱ خرداد امسال همزمان با میلاد مبارک امام حسن (علیه السلام) برگزار شد. در دیدار رهبری با شاعران، ۲۷ شاعر در موضوعات آیینی، مدافعان حرم، طنز و... به شعر خوانی پرداختند و از نکات و توصیه های استاد بهره بردند. تنوع در موضوعات و حضور شاعران جوان، از جمله نکات شاخص دیدار امسال بود که این دیدار ماندگار را از دیگر دیدارها متمایز می کرد. اما پس از پایان شعر خوانی ها، رهبر معظم انقلاب دقایقی به جمع بندی جلسه و ارائه نظرات خود درباره اشعار پرداختند و توصیه هایی را مطرح کردند. ایشان در بخشی از سخنان خود فرمودند: «تا چند سال قبل، مایه شعری بود، اما رتبه شعری نبود. اما این سال ها رتبه شعری هم بالا آمده است. آن اوایل گاهی من حرص می خوردم در این شعر خوانی ها؛ سطح شعرها خوب نبود. الان هر کس می خواند، آدم حس افتخار می کند. این مایه روینده و پیش رونده، دارد می بالد. هنر و شعر و حقایق این گونه اند. اگر رویش کار شود، مثل درختی است که اگر به آن برسند، می بالد و منافع و میوه دهی آن بیشتر می شود. شعر را دقت کنید؛ مضمون و لفظ را. مفاهیم مورد نیاز امروز را پیدا کنید». بعد از پایان جلسه نیز تعدادی از شاعران، گرد آقا حلقه زدند و آخرین حرف ها و یادگاری ها را رد و بدل کردند. عده ای کتاب هایی به آقا تقدیم کردند و عده ای هم تبرکی از ایشان خواستند.



تجلیل از حاج مرتضی طاهری در خانه مداحان



تجلیل و گرامیداشت پیروغلامان و خادمان صادق اهل بیت (ع)، یکی از آیین های ارزشمند هیئتی ها به شمار می رود که به مناسبت های مختلف تدارک دیده شده و به انجام می رسد. در همین راستا، هشتم آذرماه امسال نیز مراسم تجلیل و گرامیداشت حاج مرتضی طاهری مداح و ذاکر اهل بیت (ع) با حضور جمع زیادی از ذاکران و پیروغلامان اهل بیت (ع) در خانه مداحان برگزار شد. حاج غلامرضا سازگار، حاج یدالله بهتاش، حاج مصطفی خرسندی، حجت الاسلام صدیقی، حاج محسن طاهری و حاج سعید حدادیان

از مداحان بنام حاضر در مراسم بودند. در این مراسم، حجت الاسلام صدیقی، استاد سازگار، حاج سعید حدادیان و حاج مصطفی خرسندی درباره یک عمر نوکری و ستایشگری حاج مرتضی طاهری صحبت کردند و تلاش های این مداح شایسته را استودند. مرتضی طاهری، یکی از سه برادران طاهری و ادامه دهنده راه پدر است. او به عنوان برادر بزرگتر، محضر پدر را درک کرده و پای منبرهای او خواندنش را شروع کرده است. کسی که از محله مذهبی نازی آباد، بیرق امام حسین (علیه السلام) را بر دوش گرفت و سال های سال به خاندان اهل بیت (ع) خدمت کرد. حاج مرتضی بعد از مدرسه، شاگرد مرحوم کافی بود و با تعلیم سبک های موسیقایی توانست مداحی را به صورت پیشرفته دنبال کند. این مداح و ذاکر بنام اهل بیت (ع) که تا حدودی به سبک و سیاق کافی می خواند و به روضه و بعد معنای اشعار توجه بسیار دارد، اکنون به جایگاهی رسیده که مردم علاقه بسیاری به او نشان می دهند و از وجود این استاد بزرگوار که یکی از پیشکسوتان عرصه مداحی به شمار می رود، در مراسم مذهبی خود بهره می برند.

تشکیل کارگروه جهادی های رحمت



در اواسط سال ۹۶، کارگروهی جهادی تحت عنوان های رحمت متشکل از جامعه وعاظ و مبلغان انقلابی کار خود را با جدیت هرچه تمام شروع کرد. این کارگروه با هدف پیگیری دغدغه های مقام رهبری درباره انقلابی ماندن حوزویان جامعه و با اعتقاد بر این که جهاد همچنان ادامه دارد و فقط شیوه عملی آن متغیر است، از مردادماه امسال تشکیل شده و برنامه های خود را دنبال می کند. رسیدگی به مطالبات مردمی در حوزه ارتقای سطح رفاهی محرومان و توجه ویژه به مناطق محروم و ضعفا به

عنوان بخش مهمی از دستور کار این کارگروه به شمار می رود. کارگروه های رحمت، همچنین علاوه بر فعالیت های عمرانی و ارتقای سطح سلامت مناطق محروم کشور، نظر ویژه ای به مناطق جنوبی و حومه تهران به خصوص گروه های مستضعف، به ویژه خانواده های شهدای مدافع حرم تیپ فاطمیون و بیمارانی دارد که روند درمانی و هزینه های نگهداری آنها توسط خیرین اداره می شود. این کارگروه که با مدیریت حجت الاسلام سیدامیر عبدالملکی اداره می شود، اعلام کرده که برگزاری اردوی جهادی وعاظ انقلابی، لیبیک به فرمان آتش به اختیار حضرت آقااست و به هیچ حزب و تشکیلی وابسته نیست که به همین سبب از همه مردم علاقه مند به خدمت دعوت به عمل آورده تا در اردوهای جهادی این کارگروه حضور پیدا کنند. اما از مهم ترین فعالیت های کارگروه جهادی های رحمت می توان به چند مرحله کمک به مناطق زلزله زده، اردوی جهادی به سرای احسان کهریزک جهت رفع مشکلات این سرای بازدید از مرکز معلولان طلع نقش آفرین، تجلیل از پهلوان علیرضا کریمی و دیدار با استاد شجاعی زید عزه اشاره کرد.

همایش کبوتران حرم ویژه شهدای حله



پانزدهمین همایش ادبی سوختگان وصل با عنوان «کبوتران حرم» ویژه شهدای اربعین در حله، ۱۳ آذرماه در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد. همایشی که موضوعات مختلفی همچون نکوداشت جانبازان شیمیایی، شهدای آزاده، والدین شهدا، قتلگاه مجنون و شلمچه و مطالب بکر و بدیع این چنینی را پوشش می‌داد و با استقبال گسترده هنرمندان توانمندی همراه بود. در این همایش، بیش از ۳۵۰ اثر در بخش شعر و ۱۵۰ اثر در بخش داستان به دبیرخانه همایش رسیده بود که به‌خاطر کیفیت بالای اشعار و آثار رسیده، در بخش

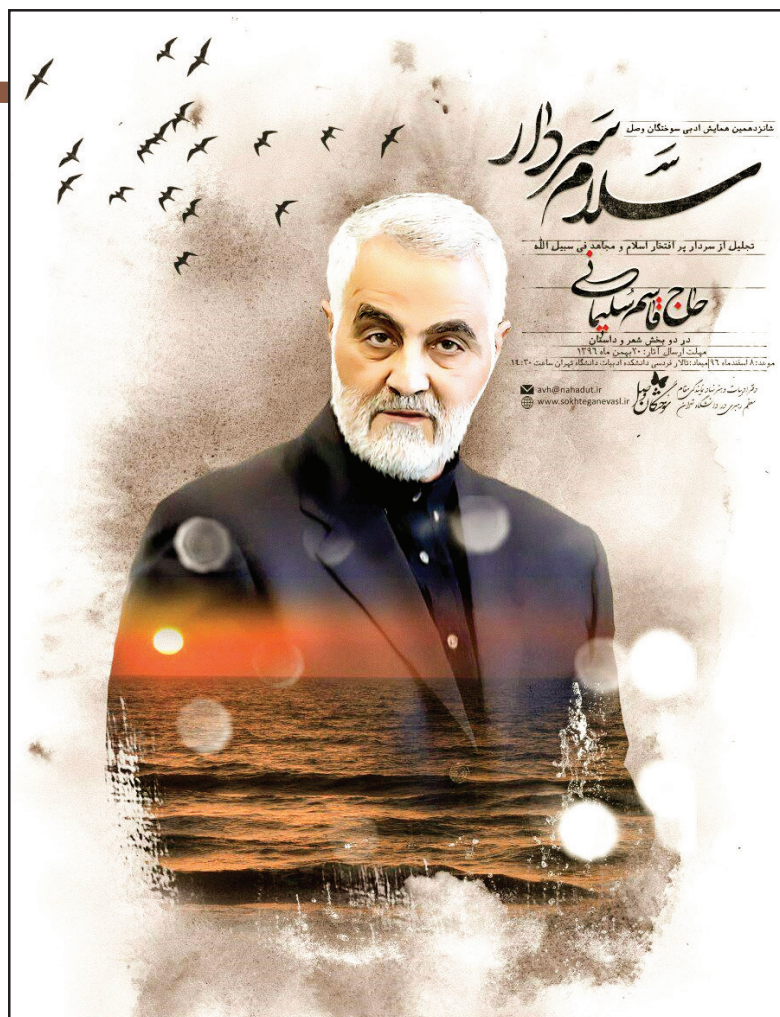
شعر از ۱۸ اثر تقدیر به عمل آمد و در بخش داستان علاوه بر معرفی سه برگزیده، از ۹ نفر نیز تقدیر شد. سعید حدادیان دبیر همایش ادبی سوختگان وصل با اشاره به این‌که، این همایش سعی کرده در این دوره، همسفر شهدای مسیر زیارت حرم سیدالشهدا (علیه‌السلام) باشد، عنوان کرد: «همواره بنا داشتیم تا موضوعاتی بکر و دست‌نخورده را برای معرفی انتخاب کنیم که امسال نیز بزرگداشت این شهدای مظلوم با همین کارکرد صورت گرفت. ما حس کردیم این شهدا مظلوم هستند و این همایش پرچم معرفی آنها را بلند کرد.» همچنین حجت‌الاسلام کرمی رئیس نهاد نمایندگی رهبر معظم انقلاب در دانشگاه تهران، ضمن تشکر و تقدیر از برگزارکنندگان این مراسم گفت: «متأسفانه مردم جامعه در رابطه با شهدای حله که در اربعین سال ۹۵ به شهادت رسیده‌اند، اطلاعات کافی ندارند و از سوی دیگر نسبت به خانواده‌های این شهدا التیام مناسبی صورت نگرفته است، بنابراین همایش این دوره به نام کبوتران حرم و به منظور تجلیل از شهدای زیارت اربعین برگزار شد که این برنامه می‌تواند اثر بسیاری در جامعه داشته باشد.»

دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) با رهبر معظم انقلاب



جمع بزرگی از مداحان و ذاکران اهل بیت (علیهم‌السلام) از سراسر کشور روز پنجشنبه ۱۷ اسفندماه در آستانه سالروز ولادت حضرت فاطمه (علیها‌السلام) با مقام رهبری دیدار کردند. دیداری که مثل همیشه سرشار از بار معنوی و ارزشی برای مداحان و ذاکران اهل بیت (علیهم‌السلام) بود و مسیر درست حرکت را پیش روی آنها قرار داد. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این دیدار، ضمن سخنانی گرانقدر در وصف حضرت فاطمه زهرا (علیها‌السلام) به طرح مباحث مهمی در رابطه با حجاب به‌ویژه در میان بانوان ایرانی پرداختند و مسائل قابل توجهی را مطرح کردند. ایشان در بخشی از

سخنان خود، مقامات معنوی و عظمت روحی حضرت فاطمه زهرا (علیها‌السلام) را خارج از فهم بشری دانستند و گفتند: «مقام والای دختر پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را باید از پروردگار و اولیاء الهی شنید و آموخت، همچنان‌که پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در وصف آن بانو، تعبیر بلند برترین زنان اهل بهشت را بیان فرموده است و شیعه و سنی بر صحت این روایت، اتفاق نظر دارند.» ایشان همچنین با تأکید بر این‌که پرچم استقلال هویتی و فرهنگی زنان در دست زنان ایرانی است، افزودند: «بانوان ایرانی با حفظ حجاب، استقلال هویتی و فرهنگی خود را به دنیا صادر و این سخن جدید را اعلام می‌کنند که زن می‌تواند با حفظ حجاب و عفاف و جلوگیری از سوءاستفاده مردان بیگانه و زباده‌طلب، در میادین اجتماعی حضور فعال و موثر داشته باشد.» رهبر انقلاب اسلامی در ادامه به بیان چند توصیه خطاب به مداحان پرداختند. ایشان با اشاره به دشمنی‌های خبیث‌آمیز علیه نظام و ملت ایران، ستایشگران اهل بیت (علیهم‌السلام) را رسانه‌هایی مهم در مقابله با این دشمنی‌ها خواندند و خطاب به آنان گفتند: «باید با افزایش معرفت و عقلانیت و ایمان مخاطبان و روشنگری سیاسی و ترویج رفتار و اخلاق اسلامی، تأکید بر اتحاد ملی و گسترش برادری و مهربانی، وظیفه سنگین خود را انجام دهید.»

اسفند
۱۳۹۶آذر
۱۳۹۶همایش ادبی سوختگان
وصل در تجلیل از سردار سلیمانی

شانزدهمین همایش ادبی سوختگان وصل با نام «سلام سردار» در تجلیل از حاج قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ۸ اسفندماه در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد. در این همایش، افراد و مسئولان بسیاری به سبب گرامیداشت تلاش‌های سردار حاج قاسم سلیمانی در پیشبرد اهداف ارزشمند انقلاب اسلامی گردهم آمدند و یکی از شلوغ‌ترین شب‌های «سوختگان وصل» را رقم زدند. در این همایش شمار قابل توجهی از طلیعه‌داران شعر و ادب آئینی، آثار خود را به رقابت گذاشتند که در نهایت نفرات برگزیده در دو بخش شعر و داستان کوتاه معرفی شدند. سعید حدادیان دبیر همایش ادبی سوختگان وصل که نقش مهمی در شکل‌گیری این برنامه داشت، از روند دشوار انتخاب برگزیدگان گفت و به توصیه‌های رهبری مبنی بر اجرای برنامه‌های ادبی و فرهنگی در گرامیداشت یاد سرافرازان جنگ تحمیلی و دلاوران دفاع از حرم مقدس اشاره کرد. همچنین دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان یکی از فرماندهان همسنگر با حاج قاسم سلیمانی به ذکر خاطراتی از روزهای ماندگار جنگ تحمیلی پرداخت و در وصف سردار سلیمانی گفت: «قاسم سلیمانی یک انسانی است که خودش را در گمنامی یافته و می‌خواهد در گمنامی پرواز کند. در سرزمین انسان‌های بی ادعا و خدایی، انرژی ۴۰ سال مبارزه حاج قاسم سلیمانی از چنین ایمانی در آمده است. ایشان چهل سال است که با اخلاص مبارزه می‌کند و در مسیر اسلام و انسانیت، متعهد و وفادار به امام و رهبر معظم انقلاب است. او در مسیر اقتدار مقدسی می‌جنگد که امنیت و صلح را می‌سازد.» همچنین در بخشی از این برنامه، پیام رئیس‌جمهور و رئیس مجلس قرائت شد؛ فیلم کوتاهی از دوران حضور قاسم سلیمانی در لشکر ثارالله و بخشی از سخنان رهبری درباره سردار قاسمی پخش شد و علیرضا افتخاری خواننده ملی به هنرنمایی پرداخت.



آواز خوانی حجت الاسلام قاسمیان

انتشار یک عکس از یک روحانی به همراه قطعه ویدئوی یک دقیقه‌ای، کافی بود تا عنوان پُربحث‌ترین اتفاق سال در حوزه روحانیت و منبر رقم بخورد. نظرهای گوناگون و برداشت‌های مختلف، باعث شد تا به این موضوع، از این زاویه نگاه کنیم. ماجرا از اینجا آغاز شد که تصویری از حجت‌الاسلام قاسمیان مدیر حوزه علمیه مشکاه و مسئول قرارگاه جهادی امام رضا (ع) در کنار تعدادی نوازنده منتشر شد که با واکنش‌های زیادی در فضای مجازی همراه بود. او در واکنش به این اتفاق نوشت: به کسانی که این عکس را دیدند و برآشفتند تا حدی حق می‌دهم؛ ای بسا خود حقیر نیز اگر با چنین صحنه‌ای مواجه می‌شدم احساسات مشابهی را تجربه می‌کردم. به همین جهت از تمام مشفقان و دلسوزانی که با مشاهده این عکس به درد آمدند و سوختند، صادقانه عذرخواهم؛ اگر چه ای بسا دل هیچ‌کس به اندازه خود من در این ماجرا به درد نیامد. برخلاف تصور اولیه، این عکس متعلق به یک کنسرت موسیقی در یکی از دانشگاه‌های تهران نیست! این عکس در کرمانشاه و در سر پل ذهاب گرفته شده است؛ لازم است اینجا اشاره کنم که حقیر به سبب دغدغه و احساس وظیفه شخصی و مسئولیتی که دارم، در ۴۰ روز گذشته بارها به مناطق زلزله‌زده سفر کرده و اقدامات مختلفی اعم از ساخت‌وساز تا هدایت گروه‌های فرهنگی و جهادی را پیگیر بودم. در این آخرین بار، برای سخنرانی در مراسمی دعوت شدم که به بهانه شب یلدا برپا شده بود تا مرهمی باشد بر زخم دل داغدیدگان. اما آنچه در عمل اتفاق افتاد و حاضران جلسه می‌توانند بر آن شهادت بدهند این بود که پیش از سخنرانی من، مجری آهنگ بسیار حزن آلود و غمگینانه‌ای را بدون هماهنگی پخش کرد که شیون و ضجه را از نهاد جمعیت برآورد. اینجا بود که برخلاف میل و رویه همیشگی‌ام، در برنامه مداخله و آن را قطع کردم. وقتی از بنده برای سخنرانی دعوت شد دقایقی درباره امید به خدا و آینده سخن گفتم و تلاش کردم آرامش به جمع باز گردد. سپس سریعاً از نوازندگان تنبور و نی که به عنوان سازهای مراسم آیینی، نه سازهای مناسب لُهو و لعب، در منطقه کرمانشاه شناخته می‌شود، استفاده کرده و خواستم سریعاً بالای سن بیایند و دقایقی را با همراهی ایشان به خواندن اشعار بزرگان فرهنگ و ادب با مضامین عارفانه و امیدبخش اختصاص دادم و خنده و شادمانی را به جمع بازگرداندم.

مرور برخی از روزهای تلخ و شیرین و ماندگارترین‌های حوزه آیینی در سالی که گذشت

تشرین‌های ۹۶

علیرضا پورمشیر



حسینیه‌ای که در آتش سوخت

شیطان، هیچ وقت بیکار نمی‌نشیند! این را قدیمی‌ها می‌گفتند و هنوزم که هنوز است عده‌ای هستند که فریب وعده وعیدهای دروغین را خورده و بی‌نتیجه، تلاش می‌کنند تا به خواسته‌های بی‌هدف خود برسند. در حالی که نور خدا، هیچ‌گاه خاموش نمی‌شود. اوایل دی ماه امسال، دو موتورسوار، با انداختن مواد آتش‌زا داخل تکیه در که، سبب آتش‌سوزی آن شدند. در این آتش‌سوزی، برخی وسایل داخل تکیه در که با قدمت بیش از صدسال از جمله فرش‌ها از بین رفت. این تکیه ۶۰۰ ساله در آتش سوخت، و حالا مردم آستین همت را بالا زده‌اند تا به کمک خیرین تا قبل از محرم سال جدید این حسینیه را نوسازی کنند.



پایان داعش

اواخر آبان ۹۶ و ابتدای ماه ربیع بود که حاج قاسم سلیمانی، خبر از دلاورمردی‌های شیربچه‌های جنگاور داد و پایان شیطن‌های اصلی داعش در سوریه را اعلام کرد. در بخشی از نامه او به رهبر، این طور نوشته شده: در این حادثه جنایات بسیار دردناکی که غیرقابل نمایش است رخ داده از جمله: سربریدن کودکان یا پوست کندن زنده زنده مردان در مقابل خانواده‌های خود به اسارت گرفتن دختران و زن‌های بی‌گناه و تجاوز به آنان، سوزاندن زنده زنده افراد و ذبح دسته‌جمعی صدها جوان. در این فتنه سیاه، هزاران مسجد و مراکز مقدس مسلمانان تخریب یا ویران شد و بعضاً با انفجار مسجد امام جماعت و نمازگزاران آن را با هم به شهادت رساندند. بیش از شش هزار جوان فریب خورده به نام دفاع از اسلام به صورت انتحاری با خودروهای پر از مواد منفجره خود را در میدان، مساجد، مدارس، حتی بیمارستان‌ها و مراکز عمومی مسلمان‌ها منفجر کردند؛ که در نتیجه این اعمال جنایتکارانه ده‌ها هزار مرده زن و کودک بی‌گناه به شهادت رسیدند. رهبر عزیز نیز این طور پاسخ دادند: «حفظ انگیزه، حفظ هوشیاری، حفظ وحدت، زدودن هر پسماند خطرناک، کار فرهنگی بصیرت‌افزا و خلاصه، آمادگی‌های همه‌جانبه نباید فراموش شود. شما را و همه برادران مجاهد از کشورهای عراق و سوریه و دیگران را به خدای بزرگ می‌سپارم و برای همه شما سلام و دعا می‌کنم.»



شهید محمد حسین حدادیان

بسیجی شهید «محمد حسین حدادیان» در شب شهادت حضرت زهرالزهراء (ع) به دست درویش داعشی به شهادت رسید. این شهید جوان از خادمان هیئت رایج العباس چیتر بود. پدر او می گوید: «در شب حادثه، مادر مراسم عزاداری حضرت زهرالزهراء (ع) حضور داشتیم که متوجه شدیم این آشوبها آغاز شده است. محمد حسین با شنیدن این موضوع به صورت داوطلبانه برای مقابله با اشراک رفت. من نیز همراه او تا ساعت ۳ بامداد در محل این حادثه حضور داشتم. در همان لحظات بامداد، محمد حسین در ابتدا با اسلحه شکاری مجروح و سپس توسط یک خودروی سمند زیر گرفته شد. چند شب بعد از شهادت محمد حسین، رهبر انقلاب نیز برای دلجویی، به منزل این شهید می روند که پدرش، این طور روایت می کند: «حضرت آقا، شب گذشته، سرزده برای ابراز تبریک و تسلیت شهادت محمد حسین به منزل ما تشریف فرما شدند. ایشان، در خصوص موضوع شهید و شهادت، مطالبی را بیان و تأکید کردند که راه شهادت و شهدا ادامه دار است و در این مسیر مسئولیت خانواده های شهدا سنگین تر است.» یوسه رهبر انقلاب بر لباس خادمی هیئت محمد حسین حدادیان، گواه درستی راه و ارزش والای خادمی در هیئت را داشت که مورد توجه رسانه ها و احاد مختلف جامعه قرار گرفت.



میثم مطیعی و اشعار انتقادی

پس از آن که میثم مطیعی در روز عید فطر و قبل از اقامه نماز توسط رهبر معظم انقلاب، شعری انتقادی و صریح را قرائت کرد؛ واکنش های مختلفی از طرف احزاب و گروه های مختلف سیاسی و رسانه های آنها منتشر شد. این واکنش ها را می توان به سه دسته مثبت، منفی و محافظه کار تقسیم کرد. اما نظر رهبر انقلاب اسلامی نیز درباره این شعر در فضای مجازی منتشر شد. نشریه خط حزب الله به دیدار رهبر انقلاب با مداحان مراسم سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در بیت رهبری و بیان نکات مهمی به آنان اشاره کردند که سید کمیل باقرزاده، آن صحبت ها را این طور توثیق کرد: «بعد از مراسم شام غریبان بیت رهبری، آقا خطاب به میثم مطیعی نکات مهمی فرمودند که بیش از آن که شخصی باشد بیانگر شاخص های مداحی انقلابی است. آقا فرمودند: می دانم بعد از عید فطر خیلی شما را اذیت کردند و فشار آوردند، هم به شما و هم به شعرا. شما یک حرف کاملاً درست و محکمی زدید. تردید نکنید. من نظرم را همان موقع به اطرافیان هم گفتم. کار شما کاملاً درست بود. اصلاً محل نگذارید به این حمله ها و بداندید کار شما موثر است. شما روی این جوان ها تأثیر دارید. این جمعیتی که امشب آمده بود تأثیر می پذیرد از شما. در آن شعر هم هیچ اهانت نبود. مسئولان رده بالای دولتی آمدند پیش من و گفتند توهین شده؛ من گفتم خیر، هیچ اهانتی نبوده. خود بنده هم صف اولی هستم. صف اول یک نفر نیست که ما هم مدعی بودیم و هم صف اولی. در آن شعر هم هست: «ما مدعیان صف اول بودیم»، ولی معلوم شد خبرها جای دیگری است؛ دیگرانی را بردند و ماها جاماندیم. هیچ خسته نشوید. اگر بنای بر خسته شدن بود آنهایی که قبل از انقلاب زندان رفتند و کتک خوردند و تبعید شدند باید خسته می شدند. سفت بایستید و خسته نشوید. اگر خسته نشوید خداوند به کارتان برکت می دهد، و برکت داده است. راه درست همین است که شما دارید می روید. حمایت قاطع رهبر انقلاب از شعر عید فطر میثم مطیعی نشان داد خیلی از مدعیان ولایت مداری، از فهم ولی زمان خویش فرسنگها فاصله دارند.



وقتی مهتاب گم شد

«وقتی مهتاب گم شد» قبل از آن که شرح زندگی علی خوش لفظ باشد، روایتی عینی از یک واقعه تاریخی است که موجب شد سرنوشت خیل وسیعی از مردمان ایران تغییر کند. علی خوش لفظ که نامش را به خاطر نزدیکی تولدش با ولیعهد پهلوی، جمشید گذاشته اند، سال ها بعد در نوجوانی، همزمان با انقلاب اسلامی خود نیز دچار تحول و دگرگونی در اهداف و آرمان هایش می شود. همین انقلاب درونی پای او را به جبهه باز می کند و او در اولین اعزام به جبهه نام خود را به علی خوش لفظ تغییر می دهد و سرانجام زندگی اش هم تغییر می کند. علی پانزده ساله در عنفوان جوانی با اصرار فراوان خود به جبهه اعزام می شود و آنجاست که درمی یابد شهادت ارغمانی است که با ترک خود به دست می آید، اما گویی قرار است علی خوش لفظ با تنی مجروح و خسته زنده بماند، تا سال ها بعد ماجرای وصل حدود ۸۰۰ دوست و برادرش را برای ما روایت کند. این کتاب، با تیراژ بالای خود در پاییز امسال، توانست جزء یکی از پرفروش های حوزه دفاع مقدس در سال ۹۶ شود.



موج شیدایی

همه عاشق و دل داده همه مجنون، هلا بیکم
سر این سفره هر کی هرچی داره می اندازن
تو کرب و بلا همه مهمون هلا بیکم
تو کرب و بلا همه مهمون هلا بیکم
سلام آقا که الان روبه روتونم
من اینجام و زیارت نامه می خونم
حسین جانم، حسین جانم
بذار سایت همیشه رو سرم باشه
قرارمون شب جمعه حرم باشه
حسین جانم، حسین جانم

دعای فرج بخونید همه با سوز و خواهش
ان شاء الله تو اربعین صاحب زمون بیداش
امیری حسین و نعم الامیر تو راه حرم دستم
و بگیر
یک قطره آبم که در اندیشه دریا
افتادم و باید بپذیرم که بمیرم
این کوزه ترک خوردا چه جای نگرانی است
من ساخته از جنس کویرم که بمیرم
امیری حسین و نعم الامیر تو راه حرم دستم بگیر
دم هر مو کب میری همه می خونن: هلا بیکم

در راه رسیدن به تو گیرم که بمیرم
اصلاً به توفات مسیرم که بمیرم
خاموش مکن آتش افروختام را
بگذار بمیرم که بمیرم که بمیرم
امیری حسین و نعم الامیر تو راه حرم دستم بگیر
به سرم شور پروازه وسط جاده بسم الله
کوله بار راه و بستان همه آماده بسم الله
به اذن الله و به اذن ابی عبدالله
کشتی نجات راه افتاده بسم الله
کشتی نجات راه افتاده بسم الله

در آستانه اربعین امسال، قطعه های صوتی و تصویری منتشر شد که حسین خلجی (مداح اهل بیت (ع)) و امید فیض آبادی آن را خواندند. آهنگساز این اثر علی اصحابی و براساس شعری از فاضل نظری و سید جواد پرکی بود. تنظیم این کار را هم رضا پناهی به عهده داشت. این قطعه، انتشار گسترده ای در فضای مجازی داشت که یکی از بهترین و پرمخاطب ترین قطعات در سال ۹۶ بود. برای تجدید خاطره با این شعر و توسل به آستان قدس حسینی در پایان سال و شروع سال جدید، «چهارده»، شما را به خواندن این شعر دعوت می کند.



میهمانی ویژه نامه نوروزی «چهارده» در خانه ای کوچک و ساده در محله تسلیحات است. روزهای پایانی سال است و حاج خانم مشغول خانه تکانی؛ با این حال با گشاده رویی پذیرای ما می شود. شباهت ظاهری مادر و پسر متعجبم می کند حتی لحن صحبت کردنش هم شبیه حاج محمود است. روی دیوار عکس همسر و فرزند شهیدش کنار هم قاب شده اند و حاج محمود هم با کلاه معروفش یک پله پایین تر طوری در قاب است که گویی عمیقاً پدر و برادر را نظاره می کند. در هفته های پایانی سال روز مادر بهانه خوبی بود تا سراغ مادر مداحی برویم که امسال نوحه هایش حسابی گل کرد حاجیه خانم «زهره نگهداری» که بیش از ۷ دهه از عمرش می گذرد همسر شهید نقی و مادر شهید داود و مداح اهل بیت (ع) حاج محمود کریمی است. اواز مادرانه هایش برایمان گفت و ما هم نوشتیم.



دیدار با مادر حاج محمود کریمی
در آستانه سال نو

یک «یاعلی» پسرم را به دنیا نمی دهم!

فاطمه شعبانی

نان و نمک آیت الله بروجردی

دوست دارد حاج خانم کریمی صدایش کنیم. اصالتاً شیرازی است و سال ۱۳۴۲ زمانی که فقط ۱۴-۱۳ سال داشت، با حاج نقی کریمی ازدواج کرده است. حاج نقی معمار بوده و حاصل این ازدواج پنج پسر است که شهید داود اولین و حاج محمود فرزند دومشان است. از همان اول ازدواج در محله های وحیدیه و تسلیحات ساکن می شوند و البته ۱۰ سال هم ساکن شاهین شهر اصفهان بوده اند. با افتخار از همسر شهیدش تعریف می کند: «اخلاق حاج نقی نه تنها با من بلکه با فرزند، پدر و مادر، خواهر و مادر و خانواده من زبانزد فامیل بود. ذاکر اهل بیت (ع) و قبل از انقلاب سه بار به کربلا شرفیاب شده بود و ارادت خاصی به اهل بیت (ع) داشت. سه شنبه های هر هفته به مسجد جمکران می رفت و در قم خدمت آیت الله بروجردی می رسید گاهی از منزل آیت الله بروجردی نان و نمک را به عنوان تبرک برای ما می آورد. چه پیش و چه بعد از پیروزی انقلاب در تمام راهپیمایی ها شرکت می کرد و من و بچه ها را هم همراه خودش می برد. بعدها فرمانده سپاه شاهین شهر اصفهان شد و اولین اعزامش به کردستان بود. آخرین اعزامش ۱۳ اسفند ۱۳۶۰ بود و چهارم فروردین ۱۳۶۱ در عملیات فتح المبین در دشت عباس، خدا به ما عیدی داد و جاویدالآثر شد. این بهار ۳۶ سال از آن اتفاق گذشته است.»

گمنام تویی خوشنام تویی!

حاج خانم را به سال های قبل برده ایم. خاطرات یکی یکی در ذهنش جان می گیرد: «ز در که وارد می شد اول به سراغ پدر و مادر و بچه های یتیم خواهرش می رفت. آخرین بار که می خواست به جبهه برود گویا می دانست که بر نمی گردد به من گفت: بچه ها را حسینی بار بیآور و نگذار اسلحه من زمین بماند. می گفتم من جهاد خانم و تو جهاد بیرون اما ثوابش نصف. ۳۲ سالم بود و حسین پنج ماهه و داود ۱۵ ساله بود. دیده بودند که اسیر شده است؛ پنج سال اسیر بود من ۱۵۰ نامه به صلیب سرخ نوشتم اما جوابی نیامد. در کمپ با حاج آقا ابوترابی بودند. گویا شب عاشورا مداحی می کند او و حاج آقارا می برند و بعد از آن دیگر از او خبری نمی شود. ۲۰ سال طول کشید تا شهادتش قطعی شد حاج محمود می گفت به بچه ها امید نده که برمی گردد. دلم می گفت بر نمی گردد آزاده ها که آمدند کاملاً قطع امید کردیم و یک مجلس ختم سبک گرفتیم. نه مزاری دارد و نه سنگ قبری؛ زیبایی اش در جاویدالآثر بودنش است: گمنام تویی خوشنام تویی!»





✦ تاثیر لقمه حلال پدر

حاج خانم کریمی در لابه لای خاطراتش به نکته مهمی در تربیت بچه ها اشاره می کند که ثمره لقمه حلال پدر بوده است: «این که بچه ها به راه اهل بیت (علیهم السلام) رفته اند حاصل مراقبت هایی بود که پدرشان داشت. قوانین خاصی در خانه داشتیم مثلا روزهای یکشنبه نه مهمانی می رفتیم نه کسی به منزل ما می آمد. شب که از سر کار می آمد به من و بچه ها کتاب هایی که مناسب سن هر کدام بود می داد و ما یک هفته فرصت داشتیم تا این کتاب را بخوانیم و هفته بعد از ما سوال می کرد و جایزه می داد. زمانی که به سفر می رفتیم پدرشان با زبان شیرینی قصه های مذهبی و قرآنی تعریف می کرد و بچه ها می گفتند: دوباره دوباره. به جز اینها لقمه پاک و حلال خیلی اثر دارد مراقبت از لقمه ای که بچه ها می خوردند، خیلی مهم بود. پدرشان به صله رحم اهمیت می داد اما اگر مهمانی دعوت بودیم و می خواستیم خانه دوست یا قوم و خویشی برویم که احتمال می داد خمس و زکات نداده باشد و لقمه شبهه دار باشد، قبل از رفتن رد مظالم اش را کنار می گذاشت همه اینها تاثیر دارد. لقمه پاک و حلال خیلی اثر دارد. موقعی هم که شیر می خوردند با خودم به مجالس روضه می بردم. برای بزرگ شدن بچه ها باید حواسمان به خیلی مسائل باشد.»

✦ مداحی در خانواده ما موروثی است

مادر مثل تمام مادرها پسر دوست است و با عشق و علاقه خاصی از حاج محمود تعریف می کند: «به نوعی صدا در خانواده ما موروثی است. پدر و پدر بزرگ و همسرم ذاکر اهل بیت (علیهم السلام) بودند. قبل از شهادت پدرش مدام در خانه هیئت داشتیم؛ شب های جمعه دعای کمیل، صبح جمعه دعای ندبه و عصر جمعه دعای سمات برقرار بود. اگر دعای کمیل نداشتیم پدرش برای خانواده می خواند در خانه ما همیشه هیئت ۸ نفره برقرار بود. شوهرم هر جا هیئت می رفت دست بچه ها را می گرفت و با خودش می برد. محمود از طفولیت علاقه خاصی به مداحی داشت و خودم هم او را به مجالس روضه می بردم. از وقتی زبان باز کرد با خودش نوحه زمزمه می کرد هیچ وقت نمی گفتم چرا می خوانی، همیشه تشویق می کردم. از خدا خواستم محمود سالم باشد و نوکری اهل بیت (علیهم السلام) را بکند. شکر خدا و ائمه را می کنم چنین نفسی به حاج محمود داده است. بچه ها خودشان به مداحی علاقه مند بودند. یادم است پدرشان یک رادیو ضبط کوچک خریده بود و دائم نوار کافی و قرآن گوش می دادند. داود و محمود بچه بودند و گاهی سر ضبط دعوایشان می شد و بالاخره پدرشان برایشان دو تا ضبط خرید گاهی به محمود اشاره می کرد و می گفت: آنچه که من می خواهم این می شود!»

✦ ذاکر اهل بیت (علیهم السلام) حسابش جداست

آرامش خاصی در چهره حاج خانم موج می زند و از روزهایی که بر او گذشته گلایه ای ندارد، می گوید: «همه می گویند: پسر بزرگ کردن سخت است اما من می گویم اصلا سخت نیست پسرهایم اصلا اذیت نکردند هر چند پدر و برادر بزرگشان نبودند اما بچه ها خستگی را از تن من در آوردند به حاج محمود هم گفتم: برای مادر، بچه با بچه فرق نمی کند اما دهانی که برای امام حسین (علیهم السلام) باز می شود، حسابش جداست. اصلا ذاکر اهل بیت (علیهم السلام) حسابش جداست. هنوز هم وقتی حاج محمود می خواند ذوق می کنم. ده بار هم تکرار کند، باز گوش می کنم. همه نوحه ها را دوست دارم؛ حسین عشق منی را خیلی دوست دارم. در محل و همه جا من را به نام حاج محمود می شناسند. افتخارم این است که به خاطر اهل بیت (علیهم السلام) می خواند. محمدم هم همین طور است. یک یاعلی حاج محمود را با دنیا عوض نمی کنم. موجب افتخار ماست. سومین سفرم به کربلا با حاج محمود خیلی به یادماندی بود. با تمام مشغولیت هایش هفته ای یکی دوبار به من سر می زد اما محرم و فاطمیه از او توقع ندارم گاهی هر روز زنگ می زند یک وقت هایی که از هیئت می آید اگر گذرش به محل بیفتد و ببیند چراغ خانم روشن است در می زند و من را می بیند و می رود.»

✦ داود گفت: من شهید می شوم

حاج خانم نگاهش را به عکس داود می اندازد. پسری که شهید شد تا افتخار بزرگی نصیب مادر کند. او می گوید: «پدرش خیلی به بچه ها بها می داد، یادم می آید منزل یکی از اقوام مهمان بودیم محمود را پیش نماز کرد. محمود بچه بود در قنوت خواند: اللهم ارزقنا شهادت! بعد از نماز پدرش بغلش کرد و بوسید اما داود به محمود می گفت: کلمه را تو گفتی اما لقمه اش را من می خوردم (یعنی من شهید می شوم). بعد از شهادت شوهرم، آقا داود حکم پدر را برای بچه ها داشت، اما مدام جبهه بود. حواسش به درس و نماز اول وقت بچه ها بود. گاهی پیش نماز می ایستاد و بچه ها پشت سرش نماز می خواندند. یکبار ندیدم نماز شبش قضا شود. پسرهای سرشان تو کتاب و مسجد بود. داود گاهی می آمد قابلمه غذا و سفره نان را بر می داشت و برای بچه ها به مسجد می برد. هنرستان آزادی فلسطین رشته تاسیسات درس می خواند. شناسنامه اش را دو سال بزرگ کرد و از پایگاه شهید بهشتی اعزام شد. به حاج محمود وصیت کرده بود که در مراسم او نوحه بخواند. وقتی خبر شهادت داود را دادند محمود خودش پای تلفن بود که گفتند چند تا گل های مسجد پرپر شدند و اسامی را می گوید و محمود همه را گوش می کند و آخرش می گوید: داود داداش من است. «داود ۲۱ دی ماه ۱۳۶۵ در شلمچه به همراه ۱۱ نفر از بچه های این محل شهید شد.

حسین سرباز ره دین بود

محرم امسال نوحه های قدیمی بسیاری توسط مداحان بازخوانی شد، نواهای ماندگار که هیچ وقت رنگ کهنگی به خود نگرفته است. یکی از این نوحه ها «حسین سرباز ره دین بود» بود که حاج محمود بازخوانی و خوشبختانه خیلی خوب گل کرد. اما این نوحه از کجا آمده و شاعرش کی بوده است؟ شاعر این نوحه «علی اکبر خوشدل تهرانی» از روحانیون و شاعران مشهور تهران در سده اخیر است و دیوان اشعار او بارها چاپ شده است. او سال ۱۲۹۳ خورشیدی در تهران به دنیا آمد و مادرش کاشانی و پدرش کرمانشاهی بود. خوشدل بعد از تحصیلات علوم قدیمی نزد افرادی چون شیخ علی رشتی، تحصیلات کلاسیک را طی کرد. خوشدل بعدها به سیاحت عراق، مصر، ترکیه، حجاز، افغانستان، پاکستان و هندوستان پرداخت. او پس از آن در تهران ماندگار شد به شعر و شاعری پرداخت. علی اکبر خوشدل در غزل و قصیده و قطعه و مثنوی شعر می سرود و بیشتر به عنوان یک شاعر غزل گویی ماهر است و به سبک هندی تمایل دارد و مدح ها و مرثیه هایی هم در مدح امامان شیعه سروده است. آثار او عمده الاسرار و دیوان شعر است. حسین سرباز ره دین بود/ حسین قربانی آیین بود/ عاقبت حق طلبی این بود/ از سر نی داد، خوش این ندا سر/ الله اکبر الله اکبر... این نوحه مرحوم خوشدل شش بند دارد و سرلوحه نوحه خوانی بسیاری از هیئت های تهران بوده است. ضمن آن که شعر معروف «بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است/ که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است» هم متعلق به همین شاعر است که روی بیرق اغلب هیئت ها درج شده بود و حتی بعضی از دسته های عزاداری با همین نشان در راهپیمایی های انقلاب شرکت کردند. خوشدل عاقبت دوم مهرماه ۱۳۶۵ درگذشت و در آستانه شیخ صدوق در شهرری به خاک سپرده شد.





گفت و گویی با مهران پندار، نفر اول سوگواره عاشورایی پوستر هیئت

موفقیت هایم را مدیون اهل بیت علیهم السلام هستم

نفیسه خانلری

سوگواره های عاشورایی هیئت یکی از بزرگ ترین رویدادهای هنری است که طی چند سال گذشته به طور مداوم برگزار شده و توانسته برترین هنرمندان این عرصه را به جامعه معرفی کند. در جریان برگزاری جدیدترین دوره سوگواره های عاشورایی که دی ماه امسال به میزبانی شهر قم برگزار شد، هنرمندان در بخش های پوستر هیئت، گرافیک محیطی هیئت، عکس هیئت و تولیدات صوتی و تصویری، آثار خود را به رقابت گذاشتند و در بخش پوستر، مهران پندار از شهر میناب (روستای زهوکی) به عنوان نفر برتر انتخاب شد. جوان ۲۴ ساله ای که بیشتر از چندسال از حضورش در این عرصه نمی گذرد اما با این حال به یکی از موفق ترین هنرمندان طراحی و گرافیک تبدیل شده و تاکنون عناوین ارزشمندی را از آن خود کرده است. پندار در این گفت و گو ضمن آن که از خودش برایمان می گوید، اما و اگرهای فعالیت در عرصه مذهبی را توضیح می دهد.



● آقای پندار! حالا که به خوبی جایتان را در میان طراحان به خصوص طراحان مذهبی باز کرده اید، قبل از هر چیز از چگونگی ورودتان به این عرصه برایمان بگویید.

علاقه به هنر همیشه در من وجود داشت و در دوران ابتدایی و راهنمایی به خاطر استعداد خوبی که در نقاشی داشتم، همیشه دارای رتبه بودم؛ تا این که در دوره دبیرستان با فتوشاپ آشنا شدم و علاقه خاصی به این برنامه پیدا کردم. البته از آنجایی که در رشته تجربی تحصیل می کردم و فتوشاپ هیچ ارتباطی با درس هایم نداشت، از این برنامه فاصله گرفتم.

● چه زمانی کار حرفه ای تان را آغاز کردید؟

بعد از پیش دانشگاهی به سبب مسئولیت کانون روستا و انجام فعالیت های تربیتی برای نوجوانان، نیاز بود تا دوباره با فتوشاپ کار کنم؛ بنابراین بار دیگر این کار را استارت زدم. تمام طرح هایم را بدون استاد و کاملاً تجربی و ذهنی می زدم که همین طرح ها بسیار هم مورد توجه مخاطبان قرار گرفت و در نهایت منجر به پیشنهاد کار از سوی چند کانون تبلیغاتی و همچنین ورود به عرصه مسابقات شد. به واقع همان علاقه کودکی به ثمر نشست و دستاوردهای خوبی نیز به همراه داشت.

● با این حساب مدت زیادی از حضورتان در این عرصه نمی گذرد.

کمتر از دو سال است که به طور جدی کار طراحی انجام می دهم. لیسانس برق دارم اما در این حرفه فعالیت نمی کنم و فعلاً تمام انرژی ام را روی طراحی متمرکز کرده ام.

● البته در همین دو سال هم عناوین قابل توجهی به دست آورده اید. برای اولین بار در چه مسابقاتی شرکت کردید و از آن زمان به بعد موفق به کسب چند عنوان شدید؟

حدود دو سال پیش یکی از کانون های تبلیغاتی مشهد، مسابقاتی با موضوع امام رضا (علیه السلام) برگزار کرد که عنوان نخست را به دست آوردم. این مسابقات، شروع بسیار خوبی برایم بود و بعد از آن توانستم چند عنوان دیگر مثل رتبه دوم جشنواره حسنی (جلد ادعیه آستان قدس رضوی)، رتبه دوم جشنواره بازگشت با موضوع اعتیاد، رتبه دوم جشنواره ملی آب، رتبه سوم جشنواره پاتوق با موضوع شهدا و چند عنوان دیگر را کسب کنم.

● و آخرین مقامی هم که به دست آوردید، عنوان نخست سوگواره هیئت بود. فکر می کردید طرحتان به عنوان طرح برتر انتخاب شود؟ فکر می کردم عنوان بگیرم اما کسب عنوان نخست غافلگیرکننده بود. با حدود ۱۰ طرح در این سوگواره شرکت کردم و از این بین فقط یک طرح را مختص به این سوگواره زده بودم که اتفاقاً این طرح عنوان نخست را به دست نیآورد و یکی از طرح هایی که برای هیئت عشاق الحسین (علیه السلام) روستا زده بودم، به عنوان پوستر برتر انتخاب شد.

● در مورد این پوستر توضیح می دهید؟

پوسترهایی که توسط طراحان برای هیئت ها طراحی می شوند، بیشتر نقش اطلاع رسانی دارند و اطلاعات مربوط به زمان و مکان برگزاری و... را شرح می دهند که در طرح من نیز همین اتفاق افتاده و اطلاعات و تبلیغات مربوط به هیئت عشاق الحسین (علیه السلام) آمده بود.

● هیئت عشاق الحسین (علیه السلام) متعلق به روستای خودتان است؟





آثار دینی جایگاهی در جشنواره‌ها ندارند

مهران پندار گرچه به عنوان هنرمندی توانمند در زمینه طراحی شناخته می‌شود و آینده روشنی پیش رو دارد اما با این حال امیدوار است که طرح‌های مذهبی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و بتوانند جایگاه واقعی خود را در میان هنر گرافیک پیدا کنند. او در این باره توضیح می‌دهد: «طرح‌های مذهبی، آثاری بسیار ارزشی به شمار می‌روند اما متأسفانه هنر در کشور ما به سمت و سویی رفته که کارهای مذهبی بسیار کمتر دیده می‌شوند و شاید خارج از قالب هنر دینی و مذهبی، اصلاً جایگاهی در مجموع هنر نداشته باشند که این مسئله واقعاً در آوار است.» او ادامه می‌دهد: «الکتون هیئت هنر دست به کار مهمی زده و باعث شده تا هنرمندانی با دیدگاه فرهنگی مذهبی گردهم بیایند و آثارشان را به رقابت بگذارند که این کار بسیار شایسته منجر به دلگرمی هنرمندان این عرصه شده است. شاید باور کردنی کمی سخت باشد اما تجربه نشان داده که اگر هر یک از نفرات برگزیده همین سوگواره عاشورایی، آثار برگزیده خود را به جشنواره‌های مهم کشوری مثل جشنواره فجر بفرستند، مورد پسند و پذیرش قرار نمی‌گیرند زیرا هنر، فاصله زیادی با مذهب پیدا کرده و کارهای دینی جایگاه خود را از دست داده‌اند. مثلاً خود من یکی از پوسترهای خوبم را در جشنواره‌ای شرکت دادم اما متأسفانه این پوستر مذهبی به رغم تمام برتری‌هایش در قیاس با دیگر پوسترهای شرکت داده شده، مورد توجه قرار نگرفت و در مقابل پوسترهایی پذیرفته شدند که بسیار ضعیف بودند!» این هنرمند جوان که از چنین شرایطی بسیار دلخور است، در رابطه با چارایی این اتفاق می‌گوید: «فکر می‌کنم که بسیاری از هنرمندان و دست‌اندرکاران این جشنواره‌ها، دین و سیاست را با هم دخیل کرده‌اند و به همین دلیل هم، آثار دینی را مورد توجه قرار نمی‌دهند اما واقعاً آثار دینی و مذهبی، هیچ ارتباطی با سیاست ندارند و این که بخواهند با چوب سیاست رانده شوند، اصلاً پسندیده نیست.»

آثار برگزیده ششمین سوگواره عاشورایی پوستر هیئت

۷۴۶ اثر به دبیرخانه ششمین دوره سوگواره عاشورایی پوستر هیئت، ارسال شد که پس از بررسی، اثر برتر در بخش‌های تخصصی تصویرسازی، ایده و خلاقیت، چیدمان متن، حروف‌نگاری، پوسترهای عاشورایی و ترکیب‌بندی معرفی شدند.

- در بخش تخصصی ایده و خلاقیت، محمدرضا چیت‌ساز از تهران با طراحی پوستر محرم برای هیئت اهل بیت (ع) دانشجویان و دانش‌آموختگان هنر و رسانه به عنوان طراح برتر شناخته شد.
- در بخش تخصصی چیدمان متن، پوستر اطلاع‌رسانی هیئت که توسط هنرمند مشهدی محمد بازدار برای هیئت عاشقان نارالله مشهد طراحی شده بود، عنوان برتر را از آن خود کرد.
- در بخش تخصصی تصویرسازی، آتلیه سه در چهار شهر با هنرمندی میکائیل براتی و محمدرضا چیت‌ساز از تهران پوستر برای اطلاع‌رسانی سایر مجالس هیئت انصارالحسین موسسه فرهنگی دکتر بهشتی اصفهان طراحی کرده بود که این پوستر توانست به عنوان برتر دست پیدا کند.
- در بخش تخصصی حروف‌نگاری، مهدی احمدی از زنجان با طراحی پوستر محرم برای هیئت نارالله رهروان امام و شهدای زنجان از دیگر هنرمندان این بخش پیشی گرفت و به عنوان طراح برتر معرفی شد.
- در بخش تخصصی ترکیب‌بندی، علیرضا حصارکی از تهران با طراحی پوستر اطلاع‌رسانی سایر مجالس هیئت به عنوان برتر دست یافت. این پوستر برای هیئت انصارالصلوات قزوین طراحی شده بود.
- در بخش جنبی پوسترهای عاشورایی امین خاکسار از تهران با طراحی پوستر عاشورایی برای هیئت محبان اهل بیت (ع) دانشجویان و دانش‌آموختگان هنر و رسانه تهران، عنوان برتر را به خود اختصاص داد.

بله. روستای ما چهار هیئت دارد که اصلی‌ترین آن همین هیئت عشاق‌الحسین (ع) است. سال ۹۲ بود که این هیئت را با تعدادی از بچه‌های روستا راه‌اندازی کردیم. هیئتی که برکات فراوانی به همراه داشت و توانست جوانان زیادی را به این سمت و سو جذب کند. ما حتی در هیئت افرادی داریم که قبلاً در کار قاچاق بودند اما به برکت این هیئت و نام ائمه‌اطهار (ع) راه خود را پیدا کرده و حالا از اعضا و خادمان فعال مسجد جامع روستا و هیئت هستند.

● به عنوان یک جوان هیئتی و البته طراح پوسترهای مذهبی، فکر می‌کنید پوسترهای تبلیغاتی چقدر می‌توانند در رونق هیئت‌ها تأثیرگذار باشند؟

تأثیر این تبلیغات بسیار بیشتر از چیزی است که فکرش را بکنید. مدت‌هاست که در زمینه کارهای فرهنگی روستا فعالیت دارم و از نزدیک دیده‌ام که پوستر و بنر تا چه حد می‌تواند موثر باشد. روستای ما حدود ۸ هزار نفر جمعیت دارد که قبلاً تعداد شرکت‌کنندگان در هیئت حتی به ۱۰۰۰ نفر هم نمی‌رسید اما زمانی که تبلیغات محیطی مثل پوسترها و بنرهای رنگی مورد استفاده قرار گرفتند، با استقبال بسیار چشمگیر اهالی روستا روبه‌رو شدیم، به‌طوری که تعداد شرکت‌کنندگان به بیش از ۳ هزار نفر رسید. این آمار به خودی خود می‌تواند تأثیر تبلیغات در رونق هیئت‌های مذهبی را نشان دهد.

● آیا برگزاری سوگواره‌ها و جشنواره‌ها هم به همین اندازه حائز اهمیت هستند؟

قطعاً این مراسم‌ها می‌توانند ضمن معرفی هنرمندان و آثار ارزشمند، انگیزه مضاعفی را به جوانان منتقل کنند. خود من حدود ۵۰ پوستر برتر دارم که اهالی روستا از این اتفاق خوشحالند و بچه‌ها روحیه بیشتری برای انجام کارهای فرهنگی و تبلیغاتی به‌خصوص در زمینه‌های دینی و مذهبی پیدا کرده‌اند که این موضوع بسیار ارزشمند است و می‌تواند افراد بیشتری را به این سمت و سو ترغیب کند.

● معمولاً برای ورود به فعالیت‌های دینی و مذهبی یک پیشینه اعتقادی وجود دارد، شما بطور با فضای مسجد و هیئت آشنا شدید؟

قطعاً خانواده‌ها مهم‌ترین نقش را در این زمینه دارند که خدا را شکر من هم در چنین خانواده‌ای بزرگ شده و مدیون کمک‌های مادرم هستم. ایشان از کودکی مرا به هیئت و مسجد می‌بردند و از همان زمان باعث شدند تا دوران کودکی‌ام در چنین فضایی شکل بگیرد، بنابراین زمینه لازم برای خدمت در راه اهل بیت (ع) برایم وجود داشت و به لطف خود این بزرگواران بود که توانستم به موفقیت‌هایی هم دست پیدا کنم.

● همان‌طور که گفتید در جشنواره‌های زیادی حضور داشته و طرح‌هایی با موضوعات مختلف ارائه داده‌اید اما می‌خواهیم بدانیم که ارائه طرح برای این جشنواره‌ها چه تفاوتی با کار برای اهل بیت (ع) دارد؟

کار برای اهل بیت (ع) دارای ارزش‌هایی است که به هیچ عنوان قابل قیاس با کارهای دیگر نیست و نمی‌توان ارزش‌های آن را وصف کرد. وقتی قرار است طرحی را برای اهل بیت (ع) بزنی، فراتر از تمام طرح‌های دیگر انرژی می‌گذاری؛ از صمیم قلب طرح می‌زنی و با تمام توان کار می‌کنی، چون می‌خواهی بهترین‌ها را ارائه دهی و با حداقل توانی که داری، کاری در شأن اهل بیت (ع) داشته باشی. خود من همیشه برای طرح‌های این چنین، بسیار گرم‌تر و دلی‌تر کار می‌کنم که امیدوارم خداوند و اهل بیت (ع) نیز راضی باشند.

● آیا تأثیر کار برای اهل بیت (ع) را در زندگیتان هم دیده‌اید؟

بسیار زیاد. من اولین طرح را برای امام رضا (ع) زدم و بهترین نتیجه را گرفتم، بنابراین با جرئت می‌گویم که مدیون خداوند و اهل بیت (ع) هستم. گاهی پیش آمده که اتفاقاتی باعث دلسردی‌ام شده اما در چنین شرایطی، زدن یک طرح برای اهل بیت (ع) و استقبال از آن، مرا به کار برگردانده است. اینها یعنی برکت حضور این بزرگان در زندگی؛ برکتی که واقعاً ارزشمند هستند و فقط به لطف همین خاندان نصیب آدم می‌شوند.

● خودتان کدام اثرتان را از همه بیشتر دوست دارید؟

یک پوستر اطلاع‌رسانی برای حضرت زهرا (ع) و ایام فاطمیه ایشان زده‌ام که اتفاقاً مورد پسند داوران سوگواره قرار گرفت و قرار است در کتاب سوگواره چاپ شود. خودم این پوستر را از بقیه بیشتر دوست دارم و شاید به این خاطر است که حس متفاوت‌تری هنگام طراحی داشتم. جالب است بدانید این اولین کاری بود که برای حضرت زهرا (ع) زدم و همان طرح اولیه بدون هیچ گونه تغییری، نهایی شد.



هنوز مرام پهلوانی نمرده است، هر چند دنیا زدگی و شهرت و ثروت، معیارها را عوض کرده، اما هنوز هستند پهلوان های سینه سوخته ای که دلشان می سوزد برای جوانان این مرز و بوم. برای همان روزها که مردانگی در ورزش حرف اول را می زند! محمد رضا طالقانی، پیر مرد دوست داشتنی اهالی کشتی، یکی از همان یادگارهای دوران خوش پهلوانی است. با این که حالا همه او را با عنوان «رئیس سابق فدراسیون کشتی» صدا می زنند و چند سالی می شود که از دنیای پریاهوی ورزش فاصله گرفته، اما هنوز پرمشغله است، مشغله هایی در حد و اندازه انسانیت و نودوستی! مشغله های هر ماهه که بوی روضه و هیئت و نذری و توسل می دهد. یادگاری از سال های دور، عشقی که از همان بچگی در محمد رضا طالقانی وجود داشته و رشد کرده و برگ و بر داده و حالا ثمره اش همین استقبال مردمی از هیئت ها و مراسم ماهانه خانه محمد رضا طالقانی است. برای این که بدانیم این مراسم ها و توسل ها از کجا شروع شده، با این چهره نام آشنای کشتی، گفت و گو کردیم.



● چندی سالی است که از مسئولیت های ورزشی فاصله گرفته اید، اوضاع چگونه می گذرد؟

با این که دیگر در ورزش سمت و مسئولیت خاصی ندارم، اما خودم را کاملا بازنشسته نکرده ام. فعالیت های اجتماعی و خیرخواهانه را ادامه می دهم. با خیریه ها و مراکز مختلف بهزیستی همکاری دارم و همچنین سفیر سلامت انجمن های بیماری های خاص هستم. همه کارها را با عشق و علاقه انجام می دهم. بی هیچ منت و درخواستی. از این روزها راضی ام. آرامش می گیرم. خدا را شکر می کنم که می توانم قدمی بردارم، هر چند کوچک باشد.

● یکی از فعالیت هایی که از قدیم همیشه در منزلتان انجام می دادید، برگزاری هیئت ماهانه بود، یک جور روضه خانگی. این هیئت و روضه، داستانش چه بود و از کجا شروع شد؟

در هر ماه قمری، روز سیزدهم هیئت را برگزار می کنیم. این روضه قدیمی را از زمانی که کوچک بودم و در خانه پدری زندگی می کردیم، به یاد دارم. من بودم و خواهر و برادرها و روضه ای که بانای اش پدر و مادرم بودند و پدرم هم این روضه خانوادگی را به دستور از پدرش ادامه داده بود. وقتی من سی و هفت، هشت ساله بودم، پدرم یک روز به من گفت که دیگر خودش توان ندارد، هیئت خانگی را ادامه دهد و حالا که خواهرها و برادرها همه ازدواج کرده و سروسامان گرفته اند و دست تنها شده، دوست دارد، من خودم این برنامه را هر ماه در منزلمان برگزار کنم و اول هم با تعداد کمی شروع شد. فضا کاملاً خانوادگی بود، بعد فامیل ها و بستگان و همسایه ها اضافه شدند، حالا هم که یک مراسم مردمی است، هر ماه تعداد بسیار زیادی از مردم، مهمان خوان کرم امیرالمومنین و بچه هایش هستند. افتخار می کنم که هر ماه دو ساعت، منزل ما وقف اهل بیت (علیهم السلام) می شود، این ارثیه از هزاران میلیارد برای من بالرش تر است.

● چرا روز سیزدهم ماه قمری را انتخاب کردید؟

راستش اول سیزدهم نبود، من حدود بیست سال پیش در یکی از سفرهایم به مکه مکرمه، روبه روی خانه خدا، مقابل رکن یمانی، از خداوند و امیرالمومنین اجازه گرفتم که این

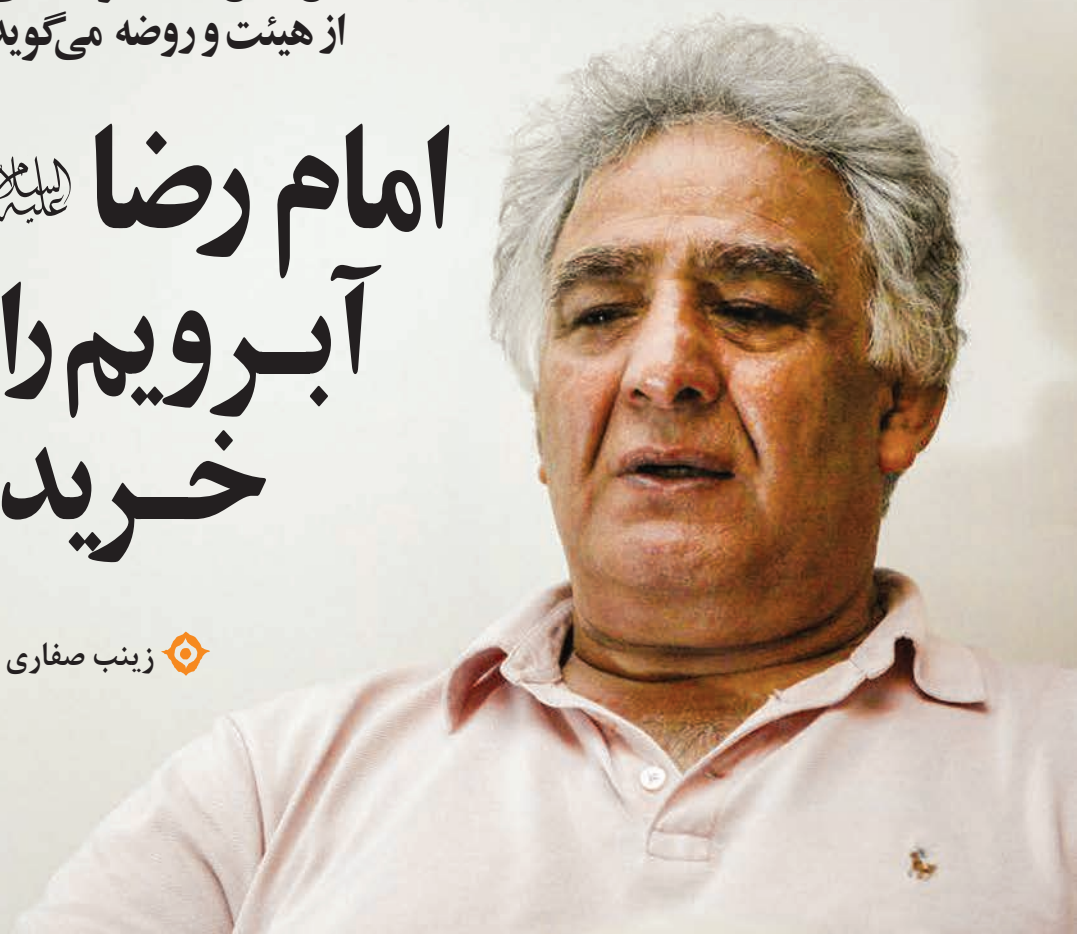
محمد رضا طالقانی

رئیس سابق فدراسیون کشتی
از هیئت و روضه می گوید



امام رضا (علیه السلام) آبرویم را خرید

♦ زینب صفاری





خاطره

همه زندگی‌ام از عنایت اهل بیت (ع) است

پیشکشوت کشتی کشور موفقیت‌هایشان را مدیون اهل بیت (ع) و هیئتی بودن می‌داند می‌گوید: «هرچه به دست آوردم به‌خاطر عنایت اهل بیت (ع) است. سالی که در مسابقات جام جهانی آمریکا شرکت کرده بودم، با تیم‌های کانادا، آمریکا، شوروی و مجارستان هم گروه بودیم، شرایط طوری بود که اگر حریف را می‌بردیم، تیم کشتی ایران در مسابقات، دوم می‌شد و اگر می‌باختم سوم می‌شدیم، من با حریف کانادایی مسابقه می‌دادم و عقب بودم، امید می‌دادم که در تایم دوم کشتی، مربی به من گفت چه کار می‌کنی؟ اگر بازی تیم سوم می‌شود، من همان جا به امام رضا (ع) توسل کردم و از ایشان مدد خواستم، وقتی به روی تشک رفتم، با این که هم خسته بودم و هم از حریف امتیازاتم کمتر بود، انگار نیرویی به من کمک کرد، تا بتوانم خودم را پیدا کنم. کشتی باخته را بردم و امام رضا (ع)، آبرویم را خرید. از آن سال به بعد همیشه خودم را شب شهادت امام رضا (ع)، به مشهد می‌رسانم تا به ایشان عرض ارادت کنم. از این دست اتفاقات و معجزه‌ها که به مدد اهل بیت (ع) رخ می‌دهد، در زندگی حرفه‌ای و شخصی ورزشکاران زیاد اتفاق می‌افتد.»

طالقانی به برکت ائمه معصومین (ع) در زندگی اشاره می‌کند و می‌گوید: «من به کشورهای زیادی سفر کردم، مکاتب مختلفی را هم دیده‌ام، اما به جرئت می‌گویم، هیچ‌جا جز در خانه ۱۴ معصوم (ع) خبری نیست! مولا علی (ع)، سخنی دارد که می‌فرماید اگر دنبال محبوبیت هستی، بی‌نیازی را انتخاب کن! کسی که دستش جلوی فلان وزیر و فلان وکیل و مسئول دراز باشد، عزتش را از دست می‌دهد. کسی که بخواهد از طریق چاپلوسی یا دنباله‌روی از این و آن، به جایی برسد، به هیچ‌جا راه پیدا نمی‌کند. فقط هر چه می‌خواهند باید از خدا و ۱۴ معصوم بخواهند، چون همه چیز دست خدا و بنده‌های برگزیده‌اش است.»



که با کشتی نگرستن اعتراض خودتان را به رژیم نشان دادید، چقدر فضای هیئت‌ها و جلسات مذهبی که از دوران کودکی با آنها مانوس بوده‌اید، در روشنگری و پیش شما نسبت به اتفاقات سیاسی آن دوره نقش داشت؟

ما بچه هیئتی بودیم و هستیم. یادم هست، وقتی بچه بودم به عشق نان و پنیر هیئت امام حسین (ع)، از خواب بیدار می‌شدم. پدرم در محله پاچنار زندگی می‌کرد که خیلی از بازاری‌ها و کسبه آنجا با رژیم مشکل داشتند و خانه‌مان حکم لانه زنبور را داشت. جلساتی هم با چهار نفر از کسبه آن موقع برگزار می‌کرد و من از طریق همین هیئت‌ها و جلسات فهمیدم که مردم رژیم را نمی‌خواهند. ذکر امام حسین (ع) ما را بیدار می‌کرد و به ما جرئت می‌داد. سال ۵۷ بود و من ۲۴ ساله بودم وقتی اوضاع را دیدم و به این باور رسیدم که دیگر مردم حکومت را نمی‌خواهند، در مسابقات کشتی جام آریامهر شرکت نکردم. در اردوی ما ۴۷ کشتی‌گیر بود که وقتی آنها فهمیدند، من چرا کشتی نمی‌گیرم، ۳۷ نفرشان برای همراهی با این حرکت در مسابقات شرکت نکردند. خبر به گوش حاج مهدی عراقی رسید. ایشانشان هم حمله‌ای ما بود و در هیئتی که خودشان اداره می‌کرد، با لبخند گفت: «پهلوان! کاری کردی کارستان!» بعد هم از من خواستند که همراهشان به پاریس بروم. من با جان و دل قبول کردم که همراهی‌شان کنم، اما وقتی شب به خانه برگشتم، ماموران ساواک به خانه ما آمدند و من را به جرم این که کشتی شاه را به هم ریخته بودم، سه هفته در کلاکتری بازداشت کردند. وقتی آزاد شدم، به پاریس رفتم و شهید مطهری به من گفت که تو هم باید محافظ حضرت امام (ره)، باشی! آقای رفیق‌دوست این مسئولیت را داشتند که از جان ایشان محافظت کنند، گفتند تو هم باید در کنار ایشان قرار بگیری. تمام این اتفاقات به‌خاطر همان برنامه‌ها و جلسات هیئت بود. همین منبرها و روضه‌ها و ذکر نام و یاد اهل بیت (ع) که همیشه در برابر ظلم ایستادگی می‌کردند، ذهن ما را آگاه می‌کرد.

• خاطره‌ای از هیئت و نذرهای مردمی برایمان می‌گویید؟

همه لحظاتی که در اینجا هستیم و به مهمانان اهل بیت (ع) خدمت می‌کنیم، برایمان خاطره است. اما به لطف این دور هم جمع شدن‌ها و ذکر مولا امیرالمومنین (ع) و فرزندان‌شان، مردم نسبت به هم مهربان‌تر می‌شوند. از کار هم گره‌کشایی می‌کنند. مثلاً در همین هیئت، جوانی که در آستانه اعدام بود و پول دیه مقتول را نداشت، با کمک خیران و نیکوکاران هیئتی، دوباره به زندگی برگشت! اهل بیت (ع) هم همیشه بر مجالس خودشان نظر دارند. مهم نیست آن مجلس را چه کسی برگزار کند. یادم هست، ۱۵ سال پیش در میرداماد ساکن بودیم و هیئت ماهانه را برگزار می‌کردیم و در آشپزخانه مشغول پخت غذا بودیم و دختری چهار، پنج ساله آمد داخل آشپزخانه و رو به من گفت با پدر و مادرم آمده‌ام اینجا که شفا بگیرم. با حرف‌هایش، اشکم بند نمی‌آمد و دستش را گرفته و با هم رفتیم داخل هیئت، به مهمانان گفتم این دختر آمده تا شفا بگیرد، با توسل به حضرت رقیه، شفایش را بخواهید. آن روز گذشت و سه سال بعد دوباره دخترک مرا در جایی اتفاقی دید و صدایم کرد و ماجرایش را تعریف کرد و گفت که از آن شب سلامتی‌اش را کاملاً به دست آورده. با در اتفاقی دیگر سال‌ها قبل وقتی پدرم هنوز در قید حیات بود، یک روز سینی نان و پنیر و سبزی هیئت را بیرون هیئت گذاشته بودیم، خانمی با اکراه به هیئت و نان و پنیرها نگاه می‌کرد، پدرم به او تعارف کرد و گفت نذری حضرت رقیه (ع) است. آن خانم اصلاً نمی‌دانست حضرت رقیه چه کسی است و فقط با اکراه نان و پنیر را گرفت و رفت. سال بعد خودش برای هیئت سبزی آورد. مقیم کانادا بود، اما به برکت حضرت رقیه (ع)، مشکلش رفع شده بود و حالا چند سال است که خودش تمام سبزی‌های هیئت را تقبل کرده و نذری می‌دهد.

هیئت را روز سیزدهم رجب، همزمان با تولد مولا، برگزار کنیم. چون خرافاتی وارد مملکت‌مان شده که روز سیزدهم را نحس می‌دانند و من به عشق امیرالمومنین (ع)، به‌خصوص در این روز می‌خواستم برنامه ذکر اهل بیت (ع) را در منزل‌مان برگزار کنم، که از ماه رجب به بعد، همیشه این روضه در سیزدهم ماه قمری برگزار می‌شود.

• آیا غیر از روضه ماهانه در ایامی مثل محرم و صفر و ایام فاطمیه هم هیئت برگزار می‌شود؟

بله! ما در هیئت بازار تمام ایام محرم و ۹ روز ماه صفر را برنامه داریم، صبح و ظهر و شب! خودم معمولاً ایام محرم آنجا هستم، اما به هیئت دیگر هم سر می‌زنم. ۳۰ روز ماه رمضان هم بساط افطاری برقرار است.

• کمی از هیئت‌تان می‌گویید: این که مردم چقدر مشارکت می‌کنند و خودتان چه کارهایی انجام می‌دهید؟

قبلاً خودمان همه کارها را انجام می‌دادیم، اما چند سالی است که مردم از صفر تا صد کارها را برعهده می‌گیرند، نذری‌هایشان را به هیئت می‌آورند و پخش می‌کنند. هر کس چیزی همراه خودش می‌آورد، یکی نان می‌دهد، دیگری شام، آن یکی شیرینی می‌خرد و... حتی جای و قند و استکان و نعلبکی هیئت را هم مردم نذر می‌کنند. گاهی اوقات مثلاً می‌گوییم، امشب می‌خواهیم خودمان فلان کار را انجام دهیم، اما باز چند نفر مسئولیت کارها را برعهده می‌گیرند و اجازه نمی‌دهند کاری روی زمین بماند. نذرهایشان قبول می‌شود و اصرار دارند، در کارها سهیم شوند.

• هیئت‌تان فقط مراسم عزاداری و روضه است، یا کارهای دیگری هم در آن انجام می‌شود؟

اصلش ذکر و یاد اهل بیت (ع) است، اما به لطف پروردگار و عنایت ۱۴ معصوم، خیرها و بانی‌های نیکوکار هیئت، از کار مردم هم گره‌کشایی می‌کنند. اگر کسی گرفتار باشد، مشکلیش با کمک هیئتی‌ها حل می‌شود. این کار برکت همان هیئت است.

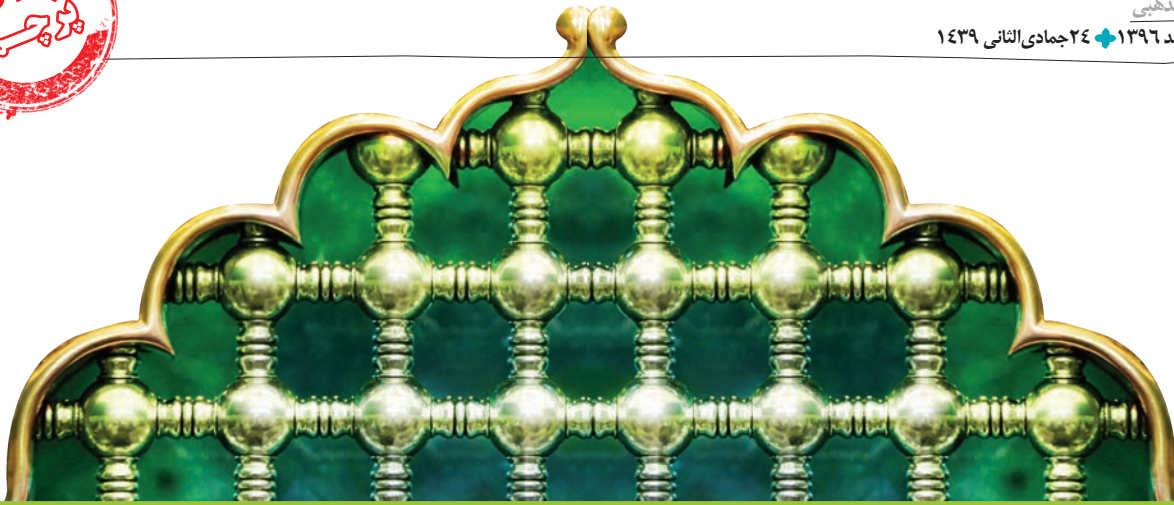
• چه کسانی در هیئت رفت و آمد می‌کنند: ورزشی‌ها؟ آدم‌های عادی؟ مهمانان خاص و...؟

اینجا همه مهمان امیرالمومنین (ع) و حضرت زهر (ع) و بچه‌هایشان هستند، کسی ویژه و خاص نیست! همه می‌آیند و کنار هم می‌نشینند. همه قابل احترامند، چون مهر عزادار سیدالشهدا (ع) به پیشانی‌شان خورده. چون مرید مولا علی (ع) هستند، ما هم وظیفه‌ای جز خدمتگزاری به این مهمانان نداریم و به این کار افتخار می‌کنیم. یکی از دوستان که از همسایگان ما هم هستند، یک روز به من گفت که قبلاً تصور نسبت به این هیئت جور دیگری بوده اما یکبار می‌بیند که رفتگری می‌آید داخل هیئت و بچه‌ها او را کنار یکی از سرداران و صاحب‌منصبان می‌نشانند و همان اندازه به او احترام می‌گذارند و به هر دو هم غذا می‌دهند. و از این کار خوشش آمده بود. اینجا مهمان سفارش شده و مکان خصوصی برای پذیرایی از افراد نورچشمی نداریم! همه در کنار هم هستند. البته دلم می‌خواهد مکان هیئت را توسعه بدهم، اگر خدا یاری کند، در این فکر هستم که بتوانم مکانی دست و پا کنم که هم حسینه داشته باشیم و هم موزه ورزشی و هم کتابخانه. امیدوارم بتوانم در آینده چنین کاری انجام دهم.

• شما در محله‌های قدیمی تهران بزرگ شدید، روزهای قبل از انقلاب را لمس کرده‌اید، آن زمان هم بچه هیئتی بودید، به نظر تان ویژگی هیئت‌های آن زمان چه بود؟ یا با مراسم حالا چه فرقی دارند؟

هر مجلسی که خالصانه باشد، اهل بیت (ع) به آن نظر می‌کنند، قبل از انقلاب و بعد از انقلاب ندارد. فقط این را می‌گویم که انگار قدیم‌ها صمیمیت و خلوص بیشتری در مجالس اهل بیت (ع) وجود داشت. الان آسیب‌هایی وارد هیئت‌ها شده است. بعضی‌ها دنبال دیده شدن هستند؛ ریا و تظاهر، کارشان را آلوده می‌کند. نباید دنبال آن باشیم که خودمان را نشان بدهیم.

• شما در ماجرای جام آریامهر، ورزشکاری پیشرو بودید



سال تحویل هیئت به کجا برویم؟

سال شمسی که به آخرین لحظه های خود می رسد خیلی هادل شان هوایی می شود تا کنار مکانی خاص و متفاوت تر از جاهای دیگر دعای «یا مقلب القلوب» را زیر لب زمزمه کنند: مکانی به پاکی و بزرگی حرم یکی از ائمه ع یا صحن و سرای یکی از امامزاده ها یا کنار قبور شهدا و هیئت، تا به برکت معنویت آن مکان، زندگی شان در سال جدید رنگ و بوی دیگری به خود بگیرد. اگر تا به حال زمان تحویل سال نودر خانه ماندید گزارش این دو صفحه به شما کمک می کند که امسال لحظات پایانی سال قدیم و آغاز سال نورا با معنویت بیشتری سپری کنید.

۱

امامزاده معصوم

سخنران: حجت الاسلام سیداحمد دارستانی
برنامه: مداحی حسن حسینخانی
زمان: سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹ بعد از نماز مغرب و عشا
نشانی: تهران، خیابان قزوین، بعد از پل نواب،
آستان مقدس امامزاده معصوم (ع)

۵

امامزاده یحیی (ع)

برنامه: مداحی حاج مصطفی سماواتی
نشانی: خیابان ۱۵ خرداد، آستان امامزاده
یحیی (ع)
زمان: روز سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹
بعد از نماز مغرب و عشا

۱

گلزار شهدای بهشت زهرا (ع)

برنامه: مداحی و سخنرانی
زمان: روز سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹
بعد از نماز مغرب و عشا
نشانی: تهران، بهشت زهرا (ع) بلوار شهدا، گلزار
شهدای تهران

۱۰

شاهچراغ

برنامه: مداحی سیدرضا نریمانی
زمان: سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹
بعد از نماز مغرب و عشا
نشانی: استان فارس، شهر شیراز، شمال خیابان احمدی

۶

امامزاده عبدالله و زید (ع)

برنامه: سخنرانی کریم بابایی
نشانی: خیابان سی متری جی، خیابان سادات
خیابان امامزاده عبدالله (ع)
زمان: روز سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹
بعد از نماز مغرب و عشا

۲

گلزار شهدای امامزاده علی اکبر (ع)

برنامه: مداحی محمود کریمی
نشانی: آستان امامزاده علی اکبر (ع) هیئت
رایه العباس (ع)، رزمندگان شمرانات
زمان: روز سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹
بعد از نماز مغرب و عشا

۱۱

مسجد امام رضا (ع)

برنامه: سخنرانی حجج اسلام عباس سمیع زاده و
علیرضا درستکار
نشانی: تهران، خیابان کارگر جنوبی، پایین تر از
میدان حر، چهارراه لشکر، خیابان کمالی، جنب
بیمارستان لقمان حکیم
زمان: سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹
بعد از نماز مغرب و عشا

۷

روضه الشهداء

برنامه: سخنرانی شیخ مهدی عامریان و مداحی
محمد سراج، کربلایی امیر کرمی
نشانی: اتوبان شهید صیاد شیرازی، خروجی
هروی، انتهای گلستان ۳
زمان: روز سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹
بعد از نماز مغرب و عشا

۲

انصار العباس (ع)

برنامه: مداحی سیدمحمد جوادی
نشانی: میدان قزوین، خیابان قزوین
بعد از پل نواب (امامزاده معصوم (ع))
خیابان شهید حسینی (قلعه مرغی)، حسینیه
انصار العباس (ع)
زمان: روز سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹
بعد از نماز مغرب و عشا

۱۲

کف الشهداء

برنامه: سخنرانی و مداحی
زمان: روز سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹
بعد از نماز مغرب و عشا
نشانی: تهران، ولنجک انتهای بلوار دانشجو
خیابان البرز، حرم مطهر شهدای گمنام

۵

هیئت انصار الحجه

برنامه: سخنرانی حجت الاسلام شیخ اسماعیل
حاتمی و مداح امیر کرمانشاهی
نشانی: مشهد مقدس، میدان شهدا، کوچه شهید
هاشمی نژاد ۱۲، کوچه ناظر، حسینیه امام رضا (ع)
زمان: روز سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹

۴

هیئت شهدای گمنام

برنامه: مداحی میثم مطیعی
نشانی: مینی سیتی، شهرک شهید محلاتی
زمان: روز سه شنبه ۹۶/۱۲/۲۹
بعد از نماز مغرب و عشا





چرا هنگام تحویل سال دعا می خوانیم؟

زمستان که سپری می شود و بهار از راه می رسد طبیعت مرده جان دوباره ای می گیرد و زنده می شود. تغییراتی که نوید بخش زندگی و کمال است. همین بهانه کافی است که ما هم در این گذار زمان از خدا بخواهیم بهترین حال را نصیبمان کند. برای همین زمان تحویل سال دعای ویژه ای می خوانیم: «یا مقلب القلوب و الأبصار، یا مدبر اللیل والنهار، یا محول الأحوال، حول حالنا الی احسن الحال».

برکات دعا

اما خواندن این دعا چه معانی و برکاتی دارد که همه هنگام تحویل سال آن را می خوانند؟ حجت الاسلام محسن غرویان در مورد دعای تحویل سال می گوید: «یا مقلب القلوب و الأبصار یا مدبر اللیل والنهار یا محول الحول و الأحوال حول حالنا الی احسن الحال» این ها معارفی است که برگرفته از روایات نبوی است. خداوند در کلمات پیغمبر اکرم ﷺ و امیرالمومنین ﷺ در نهج الفصاحه و نهج البلاغه به عنوان خالق و مبدع این عالم بیان شده است.

تفسیر دعای یا مقلب القلوب و الأبصار

قلب و بصیرت قلبی از مؤلفه های مهم معنوی در مسیر کمال انسان است که در آیات و روایات به آن ها تاکید شده. قلب سرچشمه ای تمامی جوشش ها و خیزش های وجود آدمی است.

یا مدبر اللیل والنهار

انسان به تصریح قرآنی «انی جاعل فی الارض خلیفه» جانشین خدا روی زمین است و این شایستگی را دارد که آیینی تمام نمای ربوبی و مجلای ظهور و بروز اسما و صفات الهی شود. یکی از اسماء حق تعالی «مدبر» است که پروردگار عالمیان به وسیله ای آن به تدبیر روز و شب یا تدبیر نظام زمین و آسمان و به طور کلی نظام خلقت می پردازد. انسان نیز باید خویشتن را متخلق به اخلاق الهی کند و تدبیرگر روز و شب خویش باشد.

یا محول الحول و الأحوال حول حالنا الی احسن الحال

«حول» در دعای عید نوروز به معنای «سال» است و «حوال» جمع حال به معنای طبیعت و ضمیر یا تغییر و دگرگونی وضعیت انسان است. از این رو خداوند تغییردهنده ای سال یا دگرگون کننده ای طبیعت مربوط به مخلوقات و این تحول در مسیر رشد و کمال موجودات، لازمه ای حیات است. در این دعای شریف از درگاه ربوبی می خواهیم طبیعت وجودی ما را به بهترین و نیکوترین طبیعت ها تبدیل کند و این تغییر باطنی یا ظاهری وجودی ما را همسو با تغییر و دگرگونی طبیعت ظاهری، در مسیر شکوفایی و بالندگی قرار دهد.

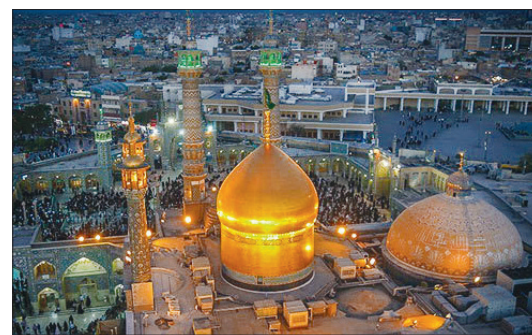
سال تحویل به روایت امام صادق (ع)

دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی محقق و نویسنده دینی معتقد است تاریخچه ای دعای سال تحویل به ماجرای حضور ایرانی ها نزد امام صادق (ع) و سوال از آن حضرت در این خصوص برمی گردد. گروهی از ایرانی ها خدمت امام صادق (ع) رسیدند و در مورد تحویل سال از ایشان سوال کردند و در مورد تحویل سال بحث هایی طولانی می شود آن حضرت فرمود: «برای زمین جشن می گیریم که این توفیق را پیدا کرد که دور خورشید عالم هستی گردش کند»



نوای رضا رضا از نقاره خانه به گوش می رسد

نقاره خانه عشق نواخته می شود و اشک ها بر گونه ها می غلتند. نوای یا سریع الرضا در حرم می پیچد. رضایت خداوند را می خواهند و سربلندی نظام جمهوری اسلامی را و با هم می خوانند دعای «یا مقلب القلوب و الأبصار» را به نیت «حول حالنا الی احسن الحال». اینجا است که می گوییم دستانمان را بگیر که به سویت کشیده شده و محتاج ثابته های نگاه توست... همزمان با نوای رضا رضا از نقاره خانه رضوی، زائران در صحن جامع حضرت رضا (ع) جا می گیرند تا از سخنرانی حجت الاسلام محسن قرائتی استفاده کنند. پس از آن گروه همخوانی ملائکه با حضور احمد واعظی به اجرای برنامه می پردازند.



آغاز سال نو در جوار حرم حضرت معصومه (ع)

حرم بانوی کرامت، پذیرای حضور گسترده مردمی است که آمده اند تا سال جدید را در جوار مضجع نورانی دخت موسی بن جعفر (ع) آغاز کنند تا به برکت بهترین دختر دنیا زندگی شان مملو از شادمانی شود. صحن ها و رواق ها و خیابان های منتهی به حرم مطهر مملو از جمعیت می شود و دعای سال تحویل برای رسیدن به «حسن الحال» با صدای عباس حیدرزاده در فضای حرم طنین می اندازد. طبق برنامه همه ساله ویژه برنامه های سال تحویل حرم حضرت فاطمه معصومه (ع) با قرائت آیاتی از کلام الله مجید توسط کریم منصوری، سخنرانی حجت الاسلام رفیعی، همخوانی گروه های تواشیح معراج و ميعاد اجرا می شود. پخش پیام نوروزی مقام معظم رهبری در شبستان ها، صحن ها و رواق ها از دیگر برنامه های حرم مطهر است.



اینجا ضریح رو به افلاک کشیده سلطان ری

اینجا ضریح رو به افلاک کشیده سلطان ری است که برای عاشق ها کربلای فقر است... باید بیایی به مهمانی نوروز که میزبان بزرگ زاده ای سخاوتمند و ثروتمند است... امسال هم طبق روال سال های قبل در حرم عبدالعظیم حسنی ع زمان تحویل سال نو برنامه های ویژه تدارک دیده شده است؛ به گفته معاون فرهنگی و امور زائران حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) ویژه برنامه هایی برای تحویل سال جدید به صورت سراسری در اماکن متبرکه حرم مطهر پخش خواهد شد. علاوه بر این به دلیل اینکه احتمالاً مانند سال های قبل، افراد بسیاری برای تحویل سال نو به این حرم مطهر می آیند فضاهای بیرونی آستان مقدس و صحن ها هم برای میزبانی از زائران آماده شده است.



فعالیت‌های مجازی و پست‌های اینستاگرامی

در این هیاهو فعالان هیئتی همچون مؤسسان هیئت‌ها، مداحان بنام و صفحات مجازی هیئت‌ها سیل تسلیت و پست‌های همدردی را رنثار غرب کشور و مردمانش کردند. در ابتدای امر و روزهای اولیه ویرانی‌ها، این پست‌ها اغلب رویکردی تسلیت‌گونه داشت. در حقیقت افراد تلاش می‌کردند که با اظهار تسلیت در فضای مجازی با درد و رنج ویرانی غرب کشور هم‌صدا شوند و با آنها ابراز همدردی کنند. اما با گذشت یکی، دو روز همه خیلی زود متوجه شدند که حجم ویرانی‌ها و خسارات به حدی بالاست که اظهار تسلیت و همدردی کاری از پیش نخواهد برد، بلکه آنها باید به پا خیزند و برای مردم زلزله‌زده کمک بفرستند. در این میان برخی هیئت‌ها سریع‌تر و بیشتر و برخی کندتر به جمع‌آوری کمک‌های مردمی پرداختند و پست‌های مجازی به سمت هماهنگی‌ها برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی و ارسال آنها به کرمانشاهیان پیش رفت. البته جای پست‌هایی با رویکرد فرهنگ‌سازی دینی در هنگام مواجهه با مردم مصیبت‌زده یا زلزله‌زده در این صفحات خالی بود. چراکه به نظر می‌رسد در چنین حوادثی بهتر است برخورد و منش‌های افراد با جامعه هدف حرفه‌ای و اصولی‌تر باشد. بهتر است هیئت‌ها در جامعه علاوه بر عزاداری برای اهل بیت (ع) به امورات اخلاق کاربردی در جامعه و اشاعه فرهنگ دینی صحیح نیز توجه ویژه داشته باشند.

جمع‌آوری کمک‌ها و ارسال محموله

کار از ابراز تسلیت و همدردی در فضای مجازی باید فراتر می‌رفت، چراکه هموطنان ما در غرب کشور نیازمند کمک‌های غذایی، بهداشتی، گرمایی و... بودند. بنابراین هیئت‌های مذهبی پیشگام شدند و با هزینه خودشان و کمک‌های مردمی به جمع‌آوری این کمک‌ها و ارسال محموله به مناطق آسیب‌دیده پرداختند. حتی موکب‌هایی که به مناسبت اربعین حسینی در داخل و خارج از کشور به خدمت زوار مشغول بودند، به سرعت خود را به سرپل ذهاب رساندند و با ندای لبیک یا حسین به خدمت‌رسانی و تهیه غذای گرم برای زلزله‌زدگان مشغول شدند. موکب علویون مازندران با اهدای ۱۰۰۰ تخته موکت و پتو، موکب کریم اهل بیت (ع) با ۱۵ هزار پرس غذای روزانه و موکب نوکران اهل بیت (ع) کرمانشاه با توزیع غذای گرم به کمک زلزله‌زدگان شتافتند. همچنین موکب‌های باب‌المراد، موکب حضرت ابوالفضل (ع) و... از جمله آنهایی بودند که توانستند به‌خوبی در این شرایط بحرانی به نقش‌آفرینی بپردازند. هیئت‌هایی از داخل نیز به‌صورت ضربتی تمام نیروهای خود را بسیج کرده و راهی کرمانشاه شدند. حسن بچه هیئت‌ها همین است دیگر! در جایی که لازم باشد می‌توانند بسیار ضربتی و با تمام قوا به صورت جهادی کار کنند. روحیه این افراد اغلب به گونه‌ای است که منتظر دستورات از بالا نمی‌مانند و داوطلبانه به میدان می‌روند.

ارسال نذورات هیئت برای زلزله‌زدگان

روزهای سخت ویرانی در کرمانشاه با هفته آخر ماه صفر یکی شده بود و این باعث شد که بسیاری از هیئت‌ها به اقدامات جالبی دست بزنند. بردن مواد غذایی خام و طبخ نذری‌ها در کرمانشاه یکی از این اقدامات بود. صرف‌نظر از شام یا ناهار دادن و اهدای پول این نذری‌ها به مناطق آسیب‌دیده نیز از دیگر کارهایی بود که در این هفته آخر ماه صفر انجام شد. هیئت عاشقان نینوی شهری از پیشگامان این طرح بود. مؤسس این هیئت با یاری افراد خیر، سایر هیئت‌ها و کمک‌های مردمی هزینه برگزاری مراسم و پختن نذری را تبدیل به اقلامی مانند پتو، آب‌معدنی، منسوجات، مواد غذایی و... کرده و به کرمانشاه ارسال کردند. در حقیقت این افراد به این نتیجه رسیدند که اولویت امروز با توجه به شرایط بحرانی، ایجاب می‌کند که هزینه نذری‌ها جای دیگری صرف شود و این برای توانایی نیازسنجی برای یک هیئت مذهبی متشکل از مؤمنین واقعی بجا و رواست.

فعالیت‌های میدانی

اما از همه اینها که بگذریم، بازخوانی فعالیت‌های میدانی هیئت‌ها در حادثه زلزله کرمانشاه نیز، لطف خودش را دارد؛ بازخوانی‌ای که قطره‌ای از دریاست و همه آن نیست. از جمله این فعالیت‌های میدانی، می‌توان به این موارد اشاره کرد: اهدای اقلام غذایی و پتو از طرف موکب اصحاب خراسانی ستاد مردمی اربعین خراسان شمالی به زلزله‌زدگان، حضور اعضای مجمع محبان الحسین غرب تهران در منطقه زلزله‌زده سرپل ذهاب روستای آب‌باریک و طبخ و توزیع غذای گرم و اقلام مورد نیاز، حضور میدانی حاج عبدالرضا هلالی برای آواربرداری در مناطق زلزله‌زده غرب کشور، ساخت دو خانه در کوهستان کرمان به همت حاج میثم مطیعی و کمک خیرین و مردم، حضور چهره‌های شاخص جامعه و عاظم انقلابی در مناطق زلزله‌زده برای فعالیت‌های جهادی، چهره‌هایی چون حجت‌الاسلام بی‌آذر تهرانی، دکتر عبدالملکی، شیخ علی سعیدیان و... مداحی حاج مهدی سلحشور با حضور حاج سعید قاسمی و حاج حسین یکتا در اولین خانه تحویلی قرارگاه مهندسی حاج احمد متوسلیمان در روستای زلزله‌زده کوئیک شهرسرپل ذهاب، آوازخوانی حجت‌الاسلام قاسمیان در شب یلدا با حضور در جمع مردم زلزله‌زده سرپل ذهاب و... فعالیت‌هایی که در غیاب کم‌کاری‌های دولتی‌ها با بهانه‌های همیشگی‌شان، اندکی باعث تسلای خاطر زلزله‌زدگان شد.

آتش به اختیارهای نیکوکار

آتش به اختیار بودن، صرفاً یک توصیه و باید در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی نیست؛ چه بسا که در بخش‌های خیریه و انساندوستانه و اجتماعی هم کاربرد و کارکرد داشته باشد. در همین اتفاق و حادثه زلزله کرمانشاه، رفتارهای آتش به اختیار بسیاری را دیدیم که نشان می‌دهد رهبر انقلاب، کجا را نشانه گرفته‌اند و چه بیزی را در ذهن و قلب جوانان و نیروهای انقلابی کاشتند. یکی از این آتش به اختیارها، موکب‌داران اربعینی بودند؛ که این بار بساط‌شان را در غرب ایران علم کردند تا به زلزله‌زده‌ها، کمک کنند. گروهی از دانشجویان دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران، از جمله این موکب‌داران بودند. آنها تا پیش از این، موکب دانشجویان جهان اسلام را علم کرده بودند، حالا وقت را غنیمت شمرده و این موکب را در مناطق زلزله‌زده برپا کردند. گروهی دیگر از دانشجویان جهانی نیز با عنوان گروه جهادی شهیدی گمنام، در حوزه کمک‌رسانی به زلزله‌زده‌ها، آتش به اختیار عمل کردند و منتظر هیچ دستوری نماندند. از دیگر آتش به اختیارهای البته غیرایرانی، موکب بین‌المللی «شباب مقاومت» بود. آنها در پیامی نوشتند که «ما جمعی از جوانان پاکستانی، یمنی، عراقی، آذری و ایرانی که در ایام اربعین حسینی خادم زائران آن حضرت بوده‌ایم، از شما عزیزان درخواست داریم ما را در این امر مهم یاری دهید تا مرهمی باشیم بر دل مردم مصیبت‌زده کرمانشاه.» از دیگر رفتارهای آتش به اختیار در این حوزه، تقدیم جایزه مداح دانش‌آموزی بود که در یازدهمین آیین تجلیل از نوگان حسینی، جایزه‌اش را به زلزله‌زده‌ها تقدیم کرد؛ بدون هیچ دستور و اجباری. سجاده‌شاکری، از شعرا و آیینی کشورمان نیز، انگشتی ارزشمندی را که از رهبر معظم انقلاب هدیه گرفته بود، به حراج گذاشت تا وجه آن را، به زلزله‌زده‌ها کمک کند. از این دست مثال‌ها بسیار است؛ که نشان می‌دهد آتش به اختیار، صرفاً در حوزه فرهنگی و سیاسی نباید تفسیر شود. در حوزه امور خیریه و اجتماعی نیز، آتش به اختیاری یک فرمول قطعی و پاسخگو است. همان‌طور که در زلزله اخیر، دیدیم که بسیاری از جهادگران و مداحان و بسیجیان و دانشجویان گرفته تا طلاب و روحانیون، آستین بالا زده و به میان معرکه آمدند. این می‌تواند یک تمرین کاملاً جدی و انسانی، برای جا انداختن چنین فرهنگی باشد.

بررسی واکنش‌های هیئت‌های مذهبی به یکی از تلخ‌ترین حادثه‌ها سال در غرب کشور

پرچم هیئتی‌ها بالاست

زینب قمی

تیمه دوم امسال به دنبال لرزش زمین در غرب کشور، کرمانشاه عزیز در مویه‌هایی حزین و شب‌هایی غم‌انگیز و سرد و تاریک فرورفت و افراد بسیاری از هموطنان عزیزمان از شیعه و اهل تسنن در این حادثه دلخراش جان خود را از دست دادند. ارگان‌های دولتی، گروه‌ها و تشکل‌های مدنی، انجمن‌های خیریه و در نهایت هیئت‌های مذهبی به‌عنوان تشکل‌های دینی کشور، به مناطق آسیب‌دیده شتافتند و هر کدام تلاش کردند تا به‌نوعی به این خطه مهمان‌نواز ادای دین کرده باشند. در این گزارش بر آن هستیم که نقش‌آفرینی و ادای دین هیئت‌های مذهبی را در کمک به هموطنان کرمانشاهی خود، کنکاش و مورد بررسی قرار دهیم.





حکایت حضور
جامعه وعاظ انقلابی
در روستایی که
مردمانش سنی
مذهب بودند

وظیفه ای که باید انجام می دادیم

غرب ایران و بعدتر، جنوب شرقی ایران در کرمان که درگیر زلزله شد، خیلی ها آستین همت بالا زدند و به کمک زلزله زده ها شتافتند. در این میان، البته طبیعی و بدیهی بود که بچه هیئتی ها و افراد دیندار جامعه، از همه زودتر در صحنه حاضر باشند؛ چرا که آموزه های دینی، کمک به انسان های دیگر را، ولو این که هم دین و هم مسلک ما هم نباشند، به شدت توصیه می کنند. در این باره، با حجت الاسلام دکتر سیدامیر عبدالمملکی، از اعضای جامعه وعاظ انقلابی و مسئول کار گروه جهادی این نهاد خودجوش دینی، گفت و گو کرده ایم. بهانه گفت و گو ما نیز، حضور فعال اعضای این جامعه در مناطق زلزله زده بوده است.



اینها البته همه اش وظیفه ای بود که روی دوشمان سنگینی می کرد و باید انجامش می دادیم.

● در زلزله کرمان چه فعالیت هایی داشتید؟

سپس راهی همدک و کرمان و کوهبنان و... شدیم و در آنجا سه اردوی جهادی برگزار کردیم و هفت روستا را تجهیز کردیم. برای همایشان چادر بردیم و شش تایی هم کانکس فرستادیم. با توجه به فرا رسیدن فصل سرما و بارندگی ها هم، با هماهنگی استانداری و هلال احمر منطقه، برایشان کانکس و مواد اولیه زندگی را ارسال کردیم. در حالی که دیگران مثلاً کنسرو و کمپوت و لباس های دست دوم و... برای این مردم می فرستادند، ما با روش دیگری به این اهالی کمک کردیم.

● چه روشی؟

مثلاً دو سه تا گوسفند و گوساله می کشتیم و غذای گرم درست کرده و به اینها می رساندیم. یا این که نیازسنجی کرده و متوجه می شدیم که زنان و کودکان و خانواده های این زلزله زده ها دقیقاً چه چیزی نیاز دارند، از تهران آنها را تهیه می کردیم و به صورت نو و بسته بندی شده، تقدیمشان می کردیم. حتی جوری خرید می کردیم که نیازهای یک سال آینده اینها تأمین بشود. در حوزه مسکن شان نیز، با همکاری قرارگاه خاتم الانبیا، خانه های مادام العمر، البته در حد پانزده تا بیست متر، برایشان تدارک دیدیم تا وقتی که دولت برایشان خانه هایشان را بازسازی کامل کند، بتوانند در آنها مستقر بشوند.

● چند تا روستا را خدمات رسانی کردید؟

سه تا روستا در ثلاث باباجانی را ما به لطف خدا توانستیم خدمات رسانی کنیم.

● کمی از خودتان بگویید و این که چطور شد از تهران راهی مناطق زلزله زده شدید؟

بنده مسئول کار گروه همای رحمت، وابسته به جامعه وعاظ انقلابی هستم. بعد از منویات مقام معظم رهبری مبنی بر این که نیروهای انقلابی می توانند «آتش به اختیار» باشند و عمل کنند، این گروه تشکیل شد و نام جامعه وعاظ انقلابی را به خودش گرفت. دوستانی که در حوزه وعظ و سخنرانی در حوزه داخلی و حتی بین المللی فعالیت داشتند، دور هم جمع شدند تا در قالب این گروه، مطالبات رهبری و مردم را پیگیری کنند.

● مسئولیت شخص شما در جامعه وعاظ انقلابی چیست؟

جامعه وعاظ انقلابی، یک کار گروه جهادی دارد که بنده مسئولیت آن را بر عهده گرفته ام. قبل از حضور در زلزله کرمان و کرمانشاه، ما پیگیر مسائل مربوط به شهیدای مناطق حرم و به خصوص فاطمیون و خانواده هایشان بودیم؛ که بالاخره در کشور ما مهمان بوده و هستند در حادثه زلزله کرمانشاه طبق وظیفه ای که احساس می کردیم، رسیدگی به سه روستای زلزله زده را که شاخص روستایی به اسم تایشلی بود، بر عهده گرفتیم. این روستاها در نقطه صفر مرزی بودند و حتی در ماجرای حمله تروریستی به مجلس و حرم حضرت امام (ره) هفت نفر از اعضای این گروه های تروریستی حمله کننده، اهل این روستاها بودند. چون در دورهای هم صدام و رژیم بعث اینها را به اسارت برده و بعد به کشور برگشته بودند، تحت تعلیمات و اطلاعات ارائه شده توسط آنها بودند و عموماً نسبت به ما گارد و نگرش منفی داشتند. مدام می گفتند اجازه نمی دهیم وارد شوید و از عربستان سعودی و امارات کمک خواهد رسید. در نهایت از آنها تقاضا کردیم که دست کم به عنوان یک هموطن، به ما اجازه بدهند که وارد روستاها شویم و کمک کنیم. در واقع اولین روستایی بود که کمک هایی از قبیل کانکس و نیز پیش پناه های پیش ساخته یا ساندویچ پنل برای مسجد را به آنجا بردیم.

● این روستا در همان سر پل ذهاب بود؟

دشت ذهاب وقتی وارد این روستا شدیم، تا چند روزی نسبت به ما گارد داشتند. اما بعد از سه هفته، گارد اینها شکسته شد. بعد از این که روحیه جهادی ما را دیدند و این که برای آنها مسکن و خوراک و مسجد و... تأمین کردیم، کمترین اثرش این بود که در نماز جماعت ما شیعه ها شرکت می کردند. حتی ما را که می دیدند می گفتند سلام علیکم یا علی، یعنی در وضعیتی که در روز اول به ما پیام داده بودند که اگر وارد روستای ما بشوید با گلوله از شما پذیرایی می کنیم، در روز آخر که می خواستیم برگردیم، می گفتند ما غیر از ناموس مان، همه زندگی مان با شما مشترک است. یعنی ما کاری کردیم که حالا جامعه وعاظ انقلابی در خانه ها و قلب های آنها جا دارد.





مگر می شود که بزرگ شده مکتب اهل بیت (علیهم السلام) باشد، دل داده حسین (علیه السلام) و بارانش باشد، پیرو مکتب عاشورایی اباعبدالله (علیه السلام) باشد و دلش برای دفاع از حرم بانو زینب (علیه السلام) هوایی نشود؟! خبر اسارت و شهادت محسن حججی در مردادماه امسال، مهم ترین اتفاق سال و تمام تاریخ است که دنیا را تکان داد. شهیدی که در مکتب حسین (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) بزرگ شده بود و راهی را برگزید که عاشق آن بود و در این راه به شهادت رسید. پدر شهید حججی معتقد است شهادت محسن یک جور الگو برای جوان ها بود آن هم در دورهای که ماهواره و فضای مجازی، شایع شده است اما شهادت محسن نشان داد که در این شرایط هم می توان جوانانی عاشق اسلام و قرآن و دل داده اهل بیت (علیهم السلام) و میهن تربیت کرد. شهیدی که رهبر معظم انقلاب در توصیفش گفته اند: «بینید چه غوغایی در کشور راه افتاده به خاطر شهادت این جوان. شهدا خیلی هستند: همه شهدا هم پیش خدای متعال عزیزند لکن یک خصوصیتی در این جوان وجود داشته - خداوند هیچ وقت کارش بدون حکمت نیست - اخلاص این جوان و نیت پاک این جوان و به موقع حرکت کردن این جوان و نیاز جامعه به این جور شهادت، این موجب شده که خدای متعال، نام این جوان را بلند کرده است؛ بلندمرتبه کرده است. کمتر شهیدی را سراغ داریم که این جور خدای متعال او را در چشم همه عزیز کرده باشد.»



در هر زمانی می توان شاهد عاشورا بود

حاج آقای حججی خدولند را شاکر است که چنین فرزندی به او عطا شده و عشق ائمه اهل بیت و امام حسین (علیه السلام) در دلش چنین بارور شده است. او تعریف می کند: «بار دومی که قرار بود محسن به سوریه اعزام شود، با حالتی خاص از من، مادر و خواهرانش خداحافظی کرده آن لحظه احساس کردم که این بار محسن به آرزوی شهادتش خواهد رسید و این وداع آخر است.»

محسن، راه حقانیت را به برادر و سه خواهرش نشان داد تا حسین وار و زینب وار از اسلام دفاع کنند. او فقط ۲۵ سال داشت که سرش را در راه اسلام داد. شهید مدافع حرم اهل نجف آباد اصفهان، عضو لشکر زرهی هشت نجف اشرف بود. شهید حججی از اعضای موسسه شهید احمد کاشانی اهل هیئت و دل داده مکتب عاشورا بود و در محرومیت زدایی مناطق فقیر کشور حضوری فعال داشت. او راه حقانیت اسلام را طی کرده، راهی که قطعاً علی دو ساله هم جا پای پدر خواهد گذاشت. پدر شهید باور دارد که شهادت محسن ثابت کرد، در هر زمانی می توان شاهد عاشورا بود. او می گوید: «پسرم برای سوریه رفتن نذر کرده بود پای پدر و مادرش را ببوسد تا رضایت ما را جلب کند.»

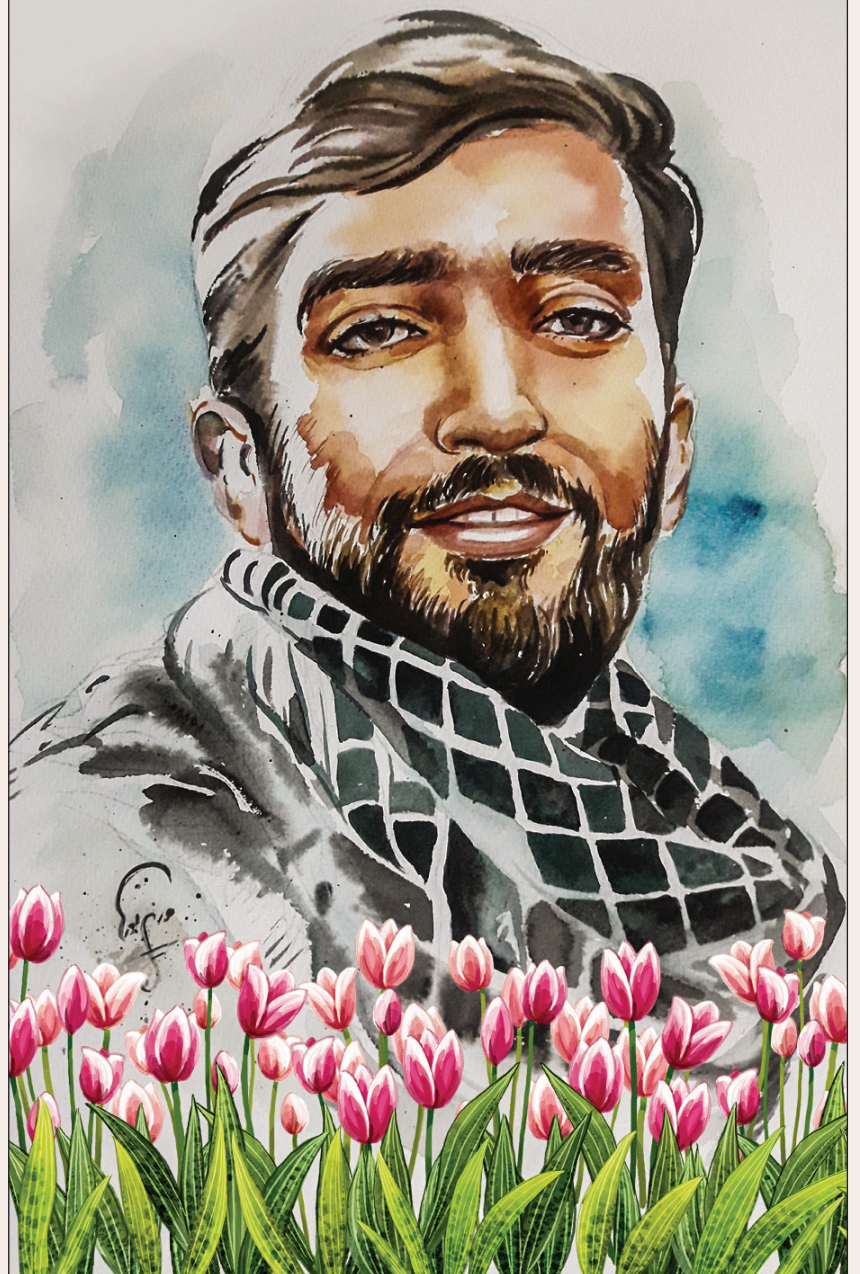
او که خودش از رزمندگان دفاع مقدس بوده است و فرزندانش بیگانه با آرمان های انقلاب اسلامی نیستند، تاکید می کند: «محسن تربیت شده مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و بهشتی بوده، او فقط به این دنیا آمد تا مایه سراقازی خانوادمش شود.» خاطرمای را تعریف می کند از آخرین باری که به مشهد رفته بودند محسن از خیلی قبل تر اصرار داشت به سوریه برود و پدرش مخالفت می کرد چون قبلاً یکبار رفته بود و حالا پسر پچهای کوچک داشت و درگیر امورات زندگی اش بود. ماه رمضان بود که محسن، خانوادمش را به سفر مشهد برد و شب های قدر را با یکدیگر در صحن و حرم امام رضا (علیه السلام) تا صبح سر کردند و زمانی که شب احیا تمام شد و خانوادمش به سمت هتل می رفتند، محسن از کنار ضریح به آنها زنگ زد و التماس دعا داشت که رضایت بدهند برود سوریه رضایت خانوادمش را گرفته رفت و به آرزویش رسید.



سبک زندگی نامدارترین شهید مدافع حرم
سال ۹۶ به روایت خانواده اش

محسن تربیت شده مکتب اهل بیت (علیهم السلام) بود

حامد رضایی



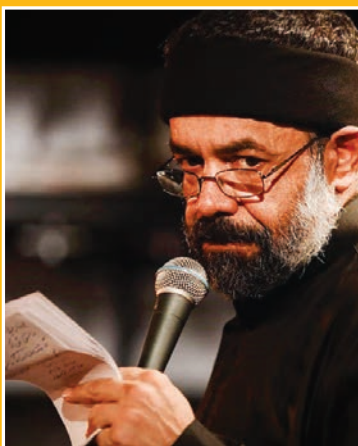
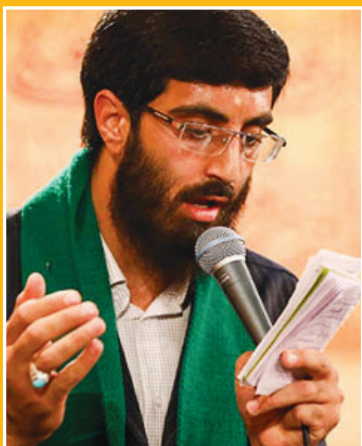


دنیابه‌چشمت‌اسیره!

اهل هیئت بود و سینه‌زنی، اهل شور و شعور حسینی، اهل سیاه پوشیدن و اشک ریختن، اهل دفاع از حقانیت و مظلومیت حسین (علیه السلام) شهیدی که در راه مکتب حسینی، سرش را داد، حتماً زمزمه عزاداری‌هایش در محرم و صفر، این بوده که به آرزوی شهادت برسد. شهیدی که عکس اسارتش با آن نگاه مقاوم و پیکر بی‌سرش، غوغایی در ایران به پا کرد. چه زیبا میثم مطیعی برایش خواند: غرق در خون می‌آید/ شهیدی بی سر/ شهیدی بی سر/ آه گل پرپر السلام/ گرفته‌پر السلام/ تن بی سر السلام/ چه روضه‌های خونینی که خواننده دشمنه در گوشش/ حسین فاطمه گیرد در آغوش...

تشییع باشکوه پیکر این شهید مدافع حرم و مداحی محمود کریمی برای این شهید بزرگوار از خاطره‌مان نمی‌رود، وقتی می‌خواند: سلام عزیز پرپر/ سلام فدایی حسین/ سلام مدافع حرم/ سلام عزیز برادر/ سلام مدافع حرم/ قدم به چشم گذاشتی/ تو آسمونا پا گذاشتی/ داغ جسارت به حرم رو/ رو دل دشمنان گذاشتی... سلام شهید سربلند/ سلام مدافع حرم

سیدرضا نریمانی هم در یادبود شهید محسن حججی، مداحی سوزناکی دارد که: اون نگاه آخرت از جلو چشم‌مان نمیره/ کی می‌گه تو اسیری، دنیا به چشمات اسیره/ عمری عاشق حسین بودی تعجب نداره/ بایدم عاشق ارباب، عین ارباب بمیره/ قصه تو کرب بلا رو داد نشونم... شهید محسن حججی، نامی است که برای همیشه در مداحی‌ها و عزاداری‌های مذهبی جاودانه می‌ماند چون در مسیر حقانیت مکتب حسینی، سرش را فدای معارف و آموزه‌های اسلام ناب محمدی و دفاع از خاندان پاک نبی اکرم (ص) کرد.



دعا کردم محسن شهید شود

نگاه پرصلابت شهید محسن حججی، تصویری نیست که به راحتی از ذهن تاریخ پاک شود، این تصویر، عاشورایی دیگر را در قرن بیست و یکم به تصویر کشید. محسن با شهادتش از واقعای گفت که تاریخ همیشه از ایستادگی و مقاومت و عزت آن یاد خواهد کرد و اکنون او به عنوان نماد اسارتی که به خاندان حسین (علیه السلام) در شام غریبان و سختی که حضرت زینب (علیه السلام) در عاشورا متحمل شد، تبدیل شده است. پدر شهید می‌گوید: «خلاص محسن بسیار زیاد بود، یک ساعت قبل از حرکتش به سوریه به دیدار ما آمد و گفت که در مشهد نذر کرده اگر به رفتنش رضایت دادیم و اعزامش به سوریه انجام شده پای ما را ببوسد. این خاطره همیشه در ذهن من جاودانه می‌ماند».

مادر شهید حججی هم که داغ در دانه‌اش را بر سینه دارد اما از شهادت محسن، احساس شادی می‌کند و می‌گوید: «محسن همیشه برای رسیدن به هدفش که شهادت بود از من می‌خواست که برایش دعا کنم».

حاج خاتم حججی، بعد از این که خبر اسارت فرزندش را شنیده بود، با وجود این که از حضرت زینب (علیه السلام) خواسته بود فرزندش را سالم بازگرداند اما در آن لحظه برای شهادت محسن دعا کرد چون نمی‌خواست تروریست‌ها با آزار و اذیت او شاد شوند، تعریف می‌کند: «پیش از شنیدن خبر شهادت محسن به زیارت قبور شهدای گمنام رفتم و از آنها خواستم یک خبر خوش از فرزندم برسد، یک ساعت بعد خبر شهادت محسن را برایشم آوردند».

با مکتب عاشورا بزرگ شد

وقتی عکس‌های شهید حججی به وقت اسارت در فضای مجازی منتشر شد، پدر طلاق دیدن عکس‌ها و فیلم‌های لحظه اسارت و شهادت فرزندش را ندانسته، بس که درد داشت برای او، اما نگاه آرام و باصلابت پسرش از مسیری که رفته بوده دلش را آرام کرد. حاج آقای حججی می‌گوید: «کسی که از ابتدای زندگی با مکتب عاشورا بزرگ شود در تمام طول زندگی کوتاه یا بلند خود از امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت (علیه السلام) دم بزند در همان مسیر قدم برمی‌دارد. آخر سر هم با همان مکتب محشور خواهد شد. پسر هم همان‌طور که در خاطراتش اشاره کرده بود و وصیتی که برای فرزندش باقی گذاشته، هدف خود را رسیدن به این مکتب بیان کرد و این که آرزویش، شهادت است. زمانی که محسن از طرف اهل بیت (علیه السلام) طلبیده شده همان صحنه را برای شهادت او مجسم کردند تا پیامی باشد برای کل جهان که می‌توان عاشورا را در هر زمانی دید فقط باید بینش آن در بیننده وجود داشته باشد تا بتواند آن را درک کند. محسن ما با فرهنگ عاشورا عین شده بود و شهادت، آرمان و آرزویش بود».

پسر بزرگ شده مکتب امام حسین (علیه السلام) بود و باور داشت که نباید قیام عاشورا را فراموش کرد بلکه باید از این واقعه تاریخی، درس زندگی گرفت. محسن یک بار قبل هم به سوریه اعزام شده بود و برای بار دوم با وجود این که خانواده‌اش به خاطر وجود فرزند، چندین رضایت نداشتند اما همه تلاشش را برای رفتن کرد. پدرش می‌گوید: «زمانی که برگشت فقط جسمش اینجا بود و روحش در جای دیگری سیر می‌کرد هر چه می‌گفتم اصلاً متوجه نمی‌شد و معلوم بود فکر و روحش جای دیگری است» با وجود این که محسن، فرزندی کوچک داشت اما رفت تا شام غریبان دیگری تکرار نشود. حاج آقای حججی افتخار می‌کند که فرزندش در دهه نود یاد و راه امام و شهدا را زنده نگه داشته است.

عشق اصلی‌اش خدایی بود

پنج سال پیش از شهادتش ازدواج کرد یعنی وقتی که جوانی ۲۰ ساله بود با همسرش در یک موسسه فرهنگی آشنا شد و زمانی که ازدواج کردند با هم یکی شدند پایه پای هم تلاش می‌کردند و به معنای واقعی ازدواج کلمی بین آنها شکل گرفت علی که آمده خانواده کوچکشان کامل تر شد و حالا این شیرمرد کوچک به بنیاد که راه پدر را ادامه دهد پدری که به وقت اسارتش، هیچ تردید و ترسی از راهی که رفته بود در نگاهش دیده نمی‌شد. زهرا عباسی، همسر شهید می‌گوید: «اصلاً ترس در این چشم‌های محسن نبوده هم‌لش شجاعت بود دلیری بود محسن توی آن عکس مثل کوه بوده باصلابت بود» خاطره همسر جون این شهید عزیز، شنیدنی است. این که به مناسبت روز مرد برای محسن یک انگشتر در نجف هدیه خرید انگشتری که روی نگین آن نام «بازهر» حکاکی شده بود وقتی محسن می‌خواست برای بار دوم اعزام شود همه انگشترهایش را در آورده‌الا آن یکی را گفت این را با خودم می‌برم، من از اینها (دلغشی‌ها) به‌خاطر حضرت زهر (علیه السلام) کینه دارم، تا لحظه آخر باید نشان بدهم که شیعه امیرالمومنین (علیه السلام) هستم. اعزام محسن برای بار دوم سخت‌تر بود پاره تنش چشم به جهان گشوده بود و او علاوه بر این که پسر بود و همسر، پدر هم شده بود اما این دلبستگی، مانع رفتنش نشد خاتم عباسی تعریف می‌کند: «محسن راحت از من و فرزندان دل کند چون عشق اصلی‌اش خدایی بود همه می‌دانستند که چقدر من و محسن به همدیگر علاقه داشتیم، همه غبطه می‌خوردند به عشق بین من و شوهرم اما او همیشه به من می‌گفت در عشقم به خودت و پسرمان علی شک نکن ولی وقتی که پای حضرت زینب (علیه السلام) بیاید وسط، زهر جان! شماها را می‌گذرم و می‌روم» خاتم عباسی آرزوی قلبی همسرش را می‌دانست و به آن باور داشت دوست داشت که خیال مردش از جلب او و فرزندش، راحت باشد بل آخری که زنگ زده او را قسم داد که فقط برای خدا بجنگد برای رضای خدا و دفاع از حرمین. همین حرف‌ها بود که دل محسن را آرام کرد و گله‌هایش را در مسیر شهادت استوارتر.



9:41 AM



۱۸ پشتهای هفته نامه «چهارده» برای تعطیلات نوروز

ببینید



انیمیشن «شاهزاده روم»

انیمیشن «شاهزاده روم» داستان عاشقی و دلدادگی دختر باکدامن مسیحی به نام ملیکا را روایت می کند که از تبار پسر، از نوادگان یسوعا، وصی حضرت عیسی و از تبار مادر، نواده قیصر روم است. سرنوشت این بانو به گونه ای رقم می خورد که وی نهایتاً به کشور اسلامی عزیمت می کند. این دختر مسیحی، سرانجام پس از آن که به همسری امام یازدهم شیعیان در می آید، مایل منجی بشریت می گردد. هادی محمدیان، کارگردانی این انیمیشن را به عهده داشته است.



مشاغل پشت جبهه

مستند عقبه، داستان مشاغل پشت جبهه است که به کارگردانی امیرحسین آقاپور و تهیه کنندگی خانه مستند انقلاب اسلامی تهیه شده است. «آن روزها از جنگ می ترسیدم، کارم تازه رونق پیدا کرده بود و دلم نمی خواست آن را رها کنم. ابتدا پنهان آوردم و گفتم من سربازی نرفته ام و نمی توانم در جبهه بجنگم ولی حاج داود گفت قرار نیست با دشمن بجنگیم. همین کاری را که این جا انجام می دهیم، پشت خط مقدم جبهه انجام خواهیم داد. باید خودروهای رزمندگان را که آسیب دیده اند، تعمیر کنیم. اوایل جنگ به خاطر مشکلاتی که وجود داشت، خودروی نظامی در خط مقدم کم بود و بسیاری از آنها که شبها مجبور بودند چراغ خاموش در پشت خاکریزها تردد کنند تصادف می کردند یا واژگون می شدند و تعدادی نیز به خاطر اصابت خمپاره آسیب می دیدند. ما باید این خودروها را در کمترین زمان ممکن تعمیر و روانه خط مقدم می کردیم. نمی دانستم چطور این موضوع را به خانواده ام بگویم. شب وقتی به خانه آمدم، موضوع را به پدرم گفتم. پدرم مرا در آغوش کشید و گفت اگر تو به جبهه نروی، پس چه کسی باید بروند؟ ما هم از من قبول گرفت زنده برگردم. وقتی خیالم از بابت آنها راحت شد، سراغ همسرم رفتم. با خودم گفتم خدایا! زن و چهار فرزندم را به امید چه کسی تنها بگذارم؟ اینها خاطرات عباس باقری معروف به عباس دستطلاست که در سالهای جنگ در پشت خط مقدم مکانیکی می کرد.



دین کالا



حتماً شما هم امروزه، از فروشگاههای اینترنتی خرید می کنید و با انتخاب چند دکمه و ارسال مبلغ، کالایی را که نیاز دارید، در خانه تان دریافت می کنید! «دین کالا» نیز، این امکان را برایشان فراهم کرده تا کالاهای مورد نیاز فرهنگی تان را راحت و سریع خریداری کرده و دریافت کنید. ابتدا در صفحه مورد نظر، تصویر، قیمت و کد محصول را مشاهده کرده و بعد هم با تخفیف مناسب، آن را می خرید. فروشگاه فرهنگی قدیم الاحسان / dinkala_com



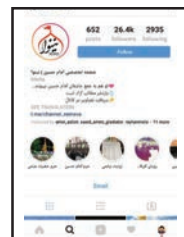
سیره علما



حالا که فرصت خواندن متنهای طولانی و کتاب را ندارید، می توانید با مرور خاطرات و سیره زندگی بزرگانی که در حال و هوای خدا و اهل بیت (ع) نفس کشیده و جان و جوانی شان را در راه احیای دین گذاشته اند، توشه ای برای خود بر گزیده و به راحتی، با زندگی علما و صاحب نفسان معاصر و گذشتگان آشنا شوید. «سیره علما»، نام صفحه ای است که به شما معرفی می کنیم. «موسسه سیره علما» / sire.olama.ir



نینوا



سال جدید که از راه می رسد، هر کدام از ما شهر و استانی را برای سفر انتخاب کرده. خیلی ها مشهد و برخی کرپلا را انتخاب می کنند. برای آنها که فرصت و مجال نیست، «نینوا» صفحه تخصصی امام حسین (ع) این فرصت را در صفحه اینستاگرامی اش فراهم کرده تا دوستان را سیدالشهدا (ع) در روزهای هفته، عرض ارادتشان را به امام حسین (ع) ابراز کرده و در زمانهای مختلف، با پخش زنده از شهر کرپلا، دل ها را راهی این شهر مقدس می کند. اگر دل شما هم هوس کرپلا کرد، بسم الله «نینوا» / neinava



علقمه گالری



اگر دست به قلم هستید یا دوست دارید در روزهای تعطیل، به عکسهای باکیفیت و زیبا از حریمهای مطهر اهل بیت (ع) دسترسی پیدا کرده یا آرشیو خوبی از این تصاویر را جمع آوری کنید، پیشنهاد می کنیم عضو کانال تلگرام «علقمه گالری» / alqameh ghalehri شوید و بیش از یازده هزار عکس با موضوعات ولادت، شهادت، مناسبتی و... را ببینید و آنها را ذخیره کنید. نشانی صفحه علقمه گالری هم این است: T.me/channelphoto



حدیث عشق



فرصت خوبی است تا در کنار گشت و گذار این روزها، سری هم به احادیث و معارف اهل بیت (ع) بزنید و آنها را به صورت متن و عکس نوشت، دریافت کنید. «کانال حدیث عشق»، هر روز، متناسب با مناسبتهای ملی - مذهبی تقویم، احادیث زیبا و کاربردی را همراه با تصاویر دلنشین، منتشر می کند که علاوه بر مرور آنها، می توانید با ارسال آن برای عزیزانشان، هدیه ای باارزش را تقدیم آنان کنید. برای عضویت و مشاهده مطالب این کانال، به این نشانی مراجعه کنید: T.me/hadis_eshgh



عبرات



دوستان خانوادہ پیامبر (ص) در شادی آنان شاد و در سوگواریشان، گریان و عزادارند! از این کلام گهربار امام صادق (ع) استفاده کرده و پیشنهاد عضویت در کانال تلگرام «عبرات» را به شما می دهیم که در روزهای ولادت و شهادتی که در پیش است، می توانید با مراجعه به این صفحه مجازی، گلچینی از بهترین و زیباترین مداحی ها را با کیفیت بالا و به صورت صوت و فیلم دریافت کرده و از آنان استفاده کنید. برای استفاده از این صفحه، به این نشانی بروید: T.me/abaratinfo



۱ رنج آدم شدن

برای شما که اهل کتاب و مطالعه هستید و همسایه دیوار به دیوار مطالعه، در روزهای آغازین سال نو، کتاب «رنج آدم شدن» نوشته «سیدمحمد سادات اخوی» را که «انتشارات چاپ و نشر بین‌الملل» آن را منتشر کرده، پیشنهاد می‌کنیم. یادداشت‌های نویسنده درباره دین و دینداری در دنیای امروز که به قلمی روان و زیبا جمع شده و بسیاری از حرف‌هایی را که در دل دارید، جواب داده. این کتاب را از دست ندهید.



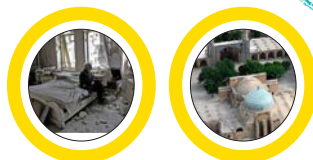
۲ آن چهارده نفر

کتاب «آن چهارده نفر» نوشته «محمدتقی اختیاری» از آن کتاب‌های داستان کوتاهی است که خواندن و ورق زدنش، دلنشین است. نویسنده در این کتاب، چهارده داستان از چهارده معصوم (علیهم‌السلام) را با همان زبان کهن اما به‌روز نقل کرده و تصویرگری زیبای آن هم به ارزش کار، بیشتر افزوده است. انتشارات «کتاب نیستان» با قیمتی مناسب، این کتاب را روانه بازار کرده است که می‌توانید آن را تهیه و از خواندنش لذت ببرید.



۳ نشر خیمه

«نشر خیمه» چندسالی است متفاوت‌تر از گذشته به چاپ عناوین مختلف کتاب روی آورده در این بین، مجموعه کتاب‌های «صاحب‌دلان» جایگاه ویژه‌ای بین مخاطبان پیدا کرده. قیمت مناسب، انتخاب داستان‌های جذاب و قلم روان، مخاطب را تشویق تا همه مجلدات این مجموعه را هم بخواند و از آنها لذت ببرد همان‌طور که از نام این مجموعه پیداست، داستان‌هایی از زندگی صاحب‌دلان هم‌عصرمان را می‌خوانید.



قزوین

۱ که نام کامل ایشان حسین بن علی بن موسی‌الرضا (علیه‌السلام) است، یکی از کهن‌ترین مزارهای موجود در ایران و مشهورترین و باشکوه‌ترین مکان زیارتی شهر قزوین است. در «لندون فی اخبار قزوین» آمده است: «در این گورستان مزار منسوب به فرزند حضرت علی بن موسی‌الرضا (علیه‌السلام) است که در خردسالی در گذشته بود».

۲ مسجد جامع کبیر با مناره‌های باشکوه، ایوان‌های رفیع و گچ‌بری‌های نفیس آن از آثار ممتاز دوره‌های اسلامی به شمار می‌رود. قدیمی‌ترین بخش مسجد، بعد از آثار چهار طاقی ساسانی که در زیر مقصوره قرار گرفته، طاق هارونی است که در زمان «هارون الرشید» در سال ۱۹۲ هجری ساخته شده.



اهواز

۱ علی بن مهزیار، یکی از شیعیان ممتاز و چهره‌های برجسته میان اصحاب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است. کسی که توانست خدمت دو امام بزرگوار، یعنی حضرت جواد و حضرت هادی (علیهم‌السلام) برسد و جزو اصحاب و نزدیکان مخصوص ایشان قرار گیرد. تا آن‌جا که امام جواد (علیه‌السلام) به او وکالت تام دادند و از امام هادی (علیه‌السلام) نیز در بعضی نواحی وکالت دریافت کرده است. در انتها باید گفت که علی بن مهزیار نه تنها خودش جزو اصحاب ویژه و مورد اطمینان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به شمار آمده، بلکه خانواده‌اش نیز از این الطاف و عنایت بی‌بهره نبوده‌اند. مزار شریف علی بن مهزیار در شهر اهواز واقع شده است، و هم‌اکنون دارای بارگاه باشکوهی است و مورد توجه مخصوص شیعیان و ارادتمندان به آستان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) قرار دارد.



کاشان

۱ حضرت ابوالحسن علی بن امام محمدباقر (علیه‌السلام) در سال ۱۱۳ هجری قمری جهت امر تبلیغ دین مبین اسلام و پاسخگویی به احساسات مذهبی مومنان وارد کاشان شدند و به مدت سه سال در میان عاشقان و دلباختگان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به ارشاد مردم ولایتمدار پرداختند. از ویژگی‌های بارز این امامزاده لازم‌التعظیم می‌توان به فرزند بلافضل بودن و همچنین نایب‌الامامین یعنی امام محمدباقر (علیه‌السلام) و امام جعفر صادق (علیه‌السلام) اشاره کرد.





حاج سید جواد موسوی

وادی نوکری: واعظ و عطر فروش بنام حرم رضوی

نام سید جواد عطری برای اکثر زائران حرم رضوی آشناست. نامی نیکو که از سال ها پیش به یادگار مانده و قطعاً تا نسل ها بعد از این نیز در یادها باقی خواهد ماند. حاج سید جواد موسوی شهره به سید جواد عطری، پیر غلام ۹۰ ساله ای است که بیش از نیم قرن در حرم رضوی خدمت کرد و تیرماه همین امسال به ملکوت اعلی پیوست. او سال ها پیش به توصیه پدر به عطر فروشی در حرم رضوی مشغول شد و برای آن که کراهت این کار را از بین ببرد، با بهره گیری از علم پدر روحانی خود، به طور همزمان به گفتن مسئله در حرم پرداخت. او سال های سال، صبح ها در مقابل ایوان طلا صحبت می کرد و در هنگام نماز ظهر نیز ضمن نقل معجزات امام رضا (علیه السلام) برای زائران مسئله می گفت. حاج سید جواد همچنین در مساجد و حسینیه ها منبر می رفت و بعد از تمام این منبرها به منظور کسب روزی حلال، عطر فروشی می کرد؛ تا این که مدتی بعد در بازار زنجیر و سپس در بازار رضا مستقر شد. او ارتباط بسیار نزدیکی با زائران داشت و همه او را به انصاف و مردم داری می شناختند. چه بسا که امروز نیز گرچه عطر فروشی سید جواد از برکت حضور این مرد با خدا محروم است اما هنوز هم آنهایی که قصد خرید عطری خوب و ارزان دارند، قطعاً سری هم به مغازه سید جواد می زنند، زیرا در این مغازه همه چیز مثل سابق پیش می رود و فرزندان سید جواد با تداوم راه پدر در صدد زنده نگه داشتن نام نیکوی او هستند.



حاج حبیب الله چایچیان

وادی نوکری: شاعر و مرثیه سرای اهل بیت (علیهم السلام)

حبیب الله چایچیان متخلص به حسان و خالق شعر معروف «آمد ای شاه پناهم بده» از شاعران و مرثیه سرایان بنام اهل بیت (علیهم السلام) بود که پس از سال ها خدمت در این عرصه، آبان ماه امسال در ۹۴ سالگی دارفانی را وداع گفت. این شاعر بنام که از او به عنوان طلیعه دار شعر آیینی یا پدر شعار مذهبی یاد می شود، نخستین بار در ۱۵ سالگی، شعر و شاعری را شروع کرد و اولین شعر خود را در وصف مرحوم پدرش سرود. حاج حبیب الله چایچیان پس از این شعر با تشویق های مادرش، سرودن اشعار در مدح و مرثیه ائمه (علیهم السلام) را به طور جدی ادامه داد و حتی شعر «آمد ای شاه پناهم بده» را نیز از مادرش الهام گرفت. او این شعر مشهور و ماندگار را زمانی سرود که مادرش را در حال بیماری برای آخرین بار به پابوس امام رضا (علیه السلام) برده بود و در همان حال، مشهورترین شعر آیینی خود را خلق کرد. نکته جالب توجه در مورد استاد چایچیان این است که او در ۲۰ سالگی به کربلا سفر کرد و از همان سفر با ارادت مضاعف به خاندان اهل بیت (علیهم السلام)، با خود عهد کرد که فقط اشعار مذهبی و در وصف ائمه اطهار بسراید. این شاعر خوش طبع و نامی که در دوران شاعری خود، بارها به تأثیر پذیری از اندیشه های علامه امینی و عسکری اشاره کرده بود، بیش از نیم قرن عمر خود را صرف سرودن اشعاری در وصف اهل بیت (علیهم السلام) کرد و از خود سه دیوان ارزشمند به یادگار گذاشت.

نگاهی به زندگی برخی پیر غلامانی
که سال ۹۶ از میان ما رفتند

چه بی نشاط بهاری که بی رخ تو رسید

نفیسه خانلری



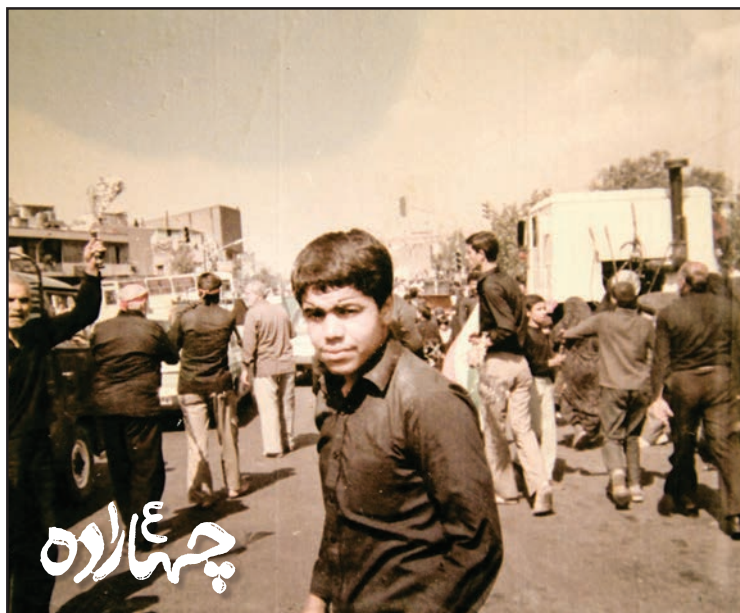
سال ۱۳۹۶ با تمام خوبی ها و بدی هایش به پایان رسید. سالی که تعدادی از پیر غلامان و دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) از میان ما پر کشیدند تا از این پس با قرائت فاتحه ای به نیکی از آنها یاد کنیم. در این گزارش به معرفی برخی از این خادمان گران قدر می پردازیم تا یاد و خاطره آنها را گرامی داریم.





تصاویر اختصاصی **چهارده**
از نوجوانی **حاج محمود کریمی**

ز کودکی خادم این تبار محترم



چهارده + ضمیمه هفتگی روزنامه قدس

ویژه هیئت ها و محافل مذهبی

مدیر مسئول: ایمان شمسایی

دبیر تحریریه: زکیه سعیدی

طراحی صفحات: رضا ماه پیکر

دبیر ویژه نامه: رضا صیادی

طراح نامواره: محمد صمدی

با همکاری مؤسسه فرهنگی هنری عقیق www.aghigh.ir

www.qudsonline.ir